

نقدی از درون

(مجلس بیست و یکم و حزب ایران نوین از نگاه یک نماینده سابق مجلس)

جلال فرهمند

دکتر محمد بقایی یزدی شاید از اولین افراد سازمان امنیت در مجلس شورای ملی باشد. بدین لحاظ، خواندن گزارشهای وی درباره وضعیت مجلس، فرآیندهای حزبی و برخورد دولت با مجلس و یا عملکرد هیئت دولت خالی از لطف نیست. وی متولد سال ۱۳۰۷ یزد است. پس از ورود به ارتش و ادامه تحصیل در رشته پزشکی خدماتش را در رشته بهداری ارتش ادامه داد. همزمان با تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، در سال ۱۳۳۵ از جمله ارتشیانی بود که با تعدادی دیگر از همقطارانش به این سازمان امنیتی منتقل شد و طبق گفته خودش اولین اداره بهداری^۱ ساواک را تأسیس کرد.

هرچند تخصص وی ارتباطی با امور اطلاعاتی و امنیتی نداشت ولی ورود وی به مجلس دوره بیست و یکم و ارسال گزارشهایی از مجلس به عنوان اولین کارهای اطلاعاتی اش به حساب می آید، عملی که هیچ وقت خودش آن را کتمان نکرد. وی سالها پس از خدمت در مجلس، هنگامی که طبق قانون جدید ساواک از مزایای ویژه ساواک محروم شده بود، در نامه‌ای به رئیس اداره کل یکم از این قانون انتقاد می کند؛ و با اشاره به استفاده سایر هم‌رتبه‌های خود از قبیل دکتر عالیخانی، ولیان، سرهنگ قدر، تاجبخش و متوجهر آزمون از مزایا و ترفیعات ساواک در سازمانهای مورد مأموریت، ضمن اشاره به حفظ پیوند خود با ساواک، خواهان استفاده از همان مزایاست چنانکه می نویسد:

این جانب یکی از نخستین کارمندان نظامی بودم که با انصراف از سوابق خدمتی

۱. ساواک از سه قسمت اصلی یعنی حوزه ریاست، ادارات کل و ساواکهای استان تشکیل می شد. ادارات کل

ساواک از نه اداره کل تشکیل یافته بود که اداره بهداری کارمندان بعدها به آن افزوده گشت. حسین فردوست

اداره بهداری را جزئی از حوزه ریاست ساواک برنمرده است.

ارتش به ساواک مستقل شده و وضع زندگی خود را با قوانین ساواک تطبیق دادم. بهداری ساواک را تشکیل داده و با هشت سال خدمت شبانه روزی وظایف خود را، چه در امر بهداشتی و پزشکی و چه در مسائل اداری و استخدامی ساواک، به نحو مقتضی انجام داده. رفتن این جانب نیز به عنوان نمایندگی به مجلس بی اجازه و سرخود نبود و در آنجا نیز وظایفی برعهده داشتیم که تصور می‌کنم تا آنجا که میسر بوده است از عهده آن برآمدم. ... در ضمن مذاکرات گفته شد که مقامات مأمور از طرف سازمان بر اتر گرفتاری ارتباطشان با ساواک گاهی قطع می‌شود و پس از چند سال بازگشتشان به ساواک مناسب نیست، به خصوص که به علت الزامات شغلی معروف و شناخته شده باشند. در پاسخ این گفته نیز باید عرض کنم که ارتباط این جانب در این دوره هرگز با ساواک قطع نگردیده بلکه مرتب برحسب احتیاجات ادارات کل از نظر بررسی جریانات مملکتی و پارلمانی و کنترل مسائل مربوط به آن این ارتباط همواره بوده و ادارات کل مزبور (دوم، نهم)^۲ شاهد این وضع هستند و حتی، در صورتی که لازم باشد، ممکن است برای تعرفه خدمتی این جانب نیز اظهار نظر نمایند... در صورتی که ضوابطی مقرر گردیده که کارمندان مأمور و خارج از ساواک در هر مقامی باشند برای استفاده از مزایای خدمتی ساواک باید در خود ساواک خدمت نمایند موافقت فرمائید که این جانب فوراً از سمت نمایندگی مجلس استعفا و آمادگی خود را به خدمت اعلام نمایم. و چنانچه واگذاری سمت پزشکی در وضع حاضر مقدور نباشد این جانب حاضریم با توجه به تجاربی که در عرض این هشت سال خدمت نمایندگی - چه در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و چه در مسائل مربوط به دولت - اندوخته‌ام در پستی که معادل وضع مرتبه‌ای من باشد به بررسی مسائل مزبور بپردازم؛ و ایمان دارم که به خوبی از عهده این مهم برآیم.^۳

اسناد موجود از وی حاکی از آن است که دکتر بقایی توانایی چنین کاری را داشته است. دکتر بقایی تا پایان دوره بیست و دوم که دومین دوره نمایندگی وی است در مجلس باقی ماند و در دوره بیست و سوم مجلس موفق به انتخاب از حوزه انتخابیه خود، یعنی تفت، نگردید.

در دوره بیست و چهارم برای آخرین بار و آن نیز از حوزه مهم تهران به نمایندگی انتخاب شد و همین تغییر حوزه (از تفت به تهران) مؤید این امر است که سلسله مراتب

۲. وظایف اداره دوم چنین بود: کسب و جمع‌آوری اخبار خارجی لازم برای حفظ امنیت کشور از طریق عملیات پنهانی، تهیه و تأمین اخبار و مدارک آشکار بر حسب درخواست ادارات ذینفع. وظیفه اداره کل نهم نیز چنین است: تحقیق و بررسی سوابق از افراد و پرسنل ساواک در دیگر سازمانها.

۳. مرکز اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۶۹۴۰۶.



نمایی از مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم | ۱۳۰۴-۱۳۰۳

سیاسی وی مستحکم‌تر شده بود. دو سندی که در این شماره فصلنامه به خوانندگان تقدیم می‌شود اسناد جالبی از دکتر بقایی است. در اولین سند وضع فردی و عملکرد شغلی و سیاسی تعداد زیادی از نمایندگان دوره بیست‌ویکم مجلس شورای ملی و در دومین سند اوضاع حزب اکثریت، یعنی حزب ایران نوین، و نقاط ضعف آن بررسی می‌شود و در ادامه همین سند، عملکرد دولت هویدا، که ناشی از وجود همین حزب است، مطرح می‌شود. لازم به ذکر است که دیدگاه وی راجع به افراد دیدگاه یکی از وابستگان به رژیم گذشته است و بعضاً غلوها و یا کم‌گوییهای در خصوص افراد در آن دیده می‌شود.

دوره بیست‌ویکم مجلس شورای ملی دوره‌ای استثنایی است. این مجلس برآمده از مجلس طوفان زده دوره بیستم است. انتخابات مجلس بیستم میدان نبردی بین احزاب درباری و احزاب ملی و مستقل است. دو حزب دولتی «ملیون» به رهبری اقبال و «مردم» به رهبری علم آتش‌یار این معرکه بودند. انتخاب‌کننده به ریاست جمهوری آمریکا برای شاه که انتظار کس دیگری را داشت - نیکسون - به منزله ترمزی در سرعت اقتدار گرائش در حکومت بود. بگیر و ببندهای پس از کودتای ۲۸ مرداد کاهش یافته بود و برخی احزاب ملی از قبیل جبهه ملی و افراد مستقلی چون علی امینی، که داعیه نخست‌وزیری داشت، مجالی برای نفس کشیدن پیدا کرده بودند.

شاه که خود را در میان فشار خارجی، یعنی فشار شعارهایی تندکننده برای دموکراتیزه کردن کشورهای همسایه دیوار آهنین مانند ایران از سویی و فشار داخلی احزاب مخالف از سوی دیگر محصور می‌دید، چاره‌ای نداشت جز آنکه اندکی از فضای بسته و اختناق داخلی بکاهد و با اعلام آزاد بودن انتخابات دوره بیستم «دموکراسی ایرانی» را به جهان نشان دهد.

البته از مدتی قبل ابزارها و وسائل این دموکراسی اعطایی فراهم شده بود. انتخابات آزاد بدون حزب چیز بی‌معنایی بود؛ بدین لحاظ، دموکراسی فرمایشی به احزاب فرمایشی نیز نیاز داشت.

شاه خود می‌نویسد:

اخیراً به ایجاد یکی از مظاهر دیگر دموکراسی پرداخته‌ام که تقریباً در کشور من تازگی دارد و آن مسئله تشکیل احزاب سیاسی است... از سال ۱۳۳۶ به این طرف، که در اوضاع سیاسی کشور ما ثبات پدید آمده و مبانی اقتصادی ملی ما پس از رکود دوره مصدق مستحکم گردیده است، خود من با علاقه وافری از فکر تشکیل دو حزب اکثریت و اقلیت پشتیبانی کرده و آن فکر را به مرحله عمل درآورده‌ام... امروز در ایران به تشکیل دو حزب بزرگ و چند حزب کوچک‌تر توفیق یافته‌ایم و هرکس

مایل باشد. می‌تواند بدون هیچ پروا و مانعی به تشکیل حزب جدیدی اقدام کند. بدان شرط که چنین حزب یا احزابی دست نشانده و آلت برای مقاصد بیگانگان نباشد. یکی از دو حزب بزرگ ایران حزب «ملیون» و دیگری حزب «مردم» است... من چون شاه کشور مشروطه هستم دلیلی نمی‌بینم که مشوق تشکیل احزاب نباشم و مانند دیکتاتورها تنها از یک حزب دست نشانده خود پشتیبانی نمایم^۴ و چون مظهر وحدت ملی کشور خویش هستم می‌توانم بدون اینکه خود را منحصرأ به یک حزب یا فرقه‌ای ارتباط دهم دو یا چند حزب را تشویق کنم که در کشور به فعالیت‌های حزبی بپردازند.^۵

علم، یکی از دوستان نزدیک شاه که بعدها وزیر دربار و یار غار شاه شد، به میان‌داری این کار برآمده بود. محفل وی دوست‌پرور بود و او، با روحیه مردم‌داری‌اش، کسان زیادی را به دور خود جمع کرد، کسانی که گاه منشأ فکری متضادی داشتند. حزب مردم شکل گرفت و رکورددار طولانی‌ترین حزب دولتی تا زمان انحلال خود به حساب می‌آمد. این حزب، به دستور شاه، از ابتدا نقش اقلیت را پذیرفت و هیچ‌گاه به حکومت نرسید. منوچهر اقبال نخست‌وزیر وقت نیز با اشاره دربار حزب ملیون را پایه‌گذاری کرد که نقش

۴. جالب اینجاست که پانزده سال بعد شاه برخلاف این سخنانش چهره یک دیکتاتور بر خود می‌گیرد و دستور تشکیل تنها حزب رسمی ایران یعنی حزب رستاخیز را می‌دهد و جالب‌تر اینکه کتاب شاه با عنوان مأموریت برای وطنم، دیگر از آن زمان به بعد مجدداً چاپ نگردید. شاه در توجیه تک حزبی شدن کشور می‌گوید:

... ما چون گفته بودیم که باید تشکیلات سیاسی داشته باشیم عده‌ای از آنها یا از قبل وارد سازمان سیاسی شده بودند، یا بعد که دستگاه‌هایی به وجود آمد وارد آن شدند و در نتیجه کار سازمان‌های سیاسی و حزبی به اینجا رسید... ولی چون ما همیشه فکر می‌کردیم در مملکتی که در آن دموکراسی پارلمانی هست باید احزاب متعددی وجود داشته باشند، عده‌ای از شما که افرادی مؤمن هستید زل اقلیت وفادار را بازی کردید. بازی کردن زل اقلیت وفادار در این مملکت خیلی مشکل است. کما اینکه ما دیدیم یک دبیرکل حزب مردم تا به حال نتوانست مقاومت بکند و زل خودش را خوب بازی کند، برای اینکه این زل قابل بازی کردن نیست. خلاصه نتیجه این است که حالا می‌بینیم.

... ما باید صفوف ایرانیان را به خوبی روشن و از هم جدا بکنیم. یک صف متعلق به کسانی که به قانون اساسی و نظام شاهنشاهی و انقلاب ششم بهمن عقیده دارند، و صف دیگر متعلق به کسانی که عقیده ندارند. در مورد آنهایی که عقیده دارند پیشنهاد می‌کنم برای اینکه دیگر رودرپایستی در بین نباشد و برای اینکه این موضوع که یک کسی از قیافه یک نفر خوشش می‌آید و دیگری خوشش نمی‌آید، این چیزها از میان برود، ما امروز تشکیلات سیاسی جدیدی را پایه‌گذاری می‌کنیم و نام آن را می‌گذاریم رستاخیز ایران یا رستاخیز ملی. برگرفته از جزوه بیانات شاهنشاه در کنفرانس بزرگ مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی درباره تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران، کاخ نیاوران - ۱۱ اسفند ۱۳۵۳.

۵. محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹، صص ۲۳۲-۲۳۶.

اکثریت را داشت؛ و بالطبع اکثریت همیشه حاکم بود و افراد بیشتر و مؤثرتری به آن پیوستند.

انتخابات دوره بیستم در پیش بود و با وعده شاه برای آزادی انتخابات احزاب غیردولتی به نام جبهه ملی دوم و چند حزب دیگر پای به عرصه مبارزات انتخاباتی گذاشتند. برخلاف سخن صریح شاه در آزاد بودن انتخابات، اکثریت و اقلیت چنان افتضاحی به بار آوردند که روی انتخابات غیرآزاد بعد و قبل از خود را سفید کرد. تابستان گرم سال ۱۳۳۹، که تنور انتخاباتی را به شکل غیرطبیعی داغ کرده بود، نان بسیاری را سوزاند. شاه ناچار حکم به ابطال انتخابات تابستانه داد.

پایین آمدن تب تند انتخابات، مرگ ناگهانی احزاب فرمایشی و سقوط کابینه اقبال را در پی داشت. توهین و تهدید دو حزب فرمایشی به یکدیگر و نیز به افراد مستقل پایان یافت. علم نیز از ریاست حزب مردم کنار رفت و به نخست‌وزیری رسید.

زمستان سرد آن سال بر سردی انتخابات مکرر این دوره افزود و سرانجام، با فشار بیش از اندازه کندی و جلوس علی امینی - مرد همیشه منتقد انتخابات دوره بیستم - برکسی ریاست‌الوزاری، این دوره برای همیشه از صفحه تاریخ انتخاباتی ایران پاک شد. شاه، که دیگر تحمل نخست‌وزیران مستقل و نیمه مستقل را نداشت، بعد از یک سال با سفر به آمریکا بار اصلاحات اساسی‌ای را که بر دوش امینی گذاشته شده بود خود برعهده گرفت و پس از بازگشت شاه به ایران امینی خلع و یار شاه یعنی علم مجدداً نخست‌وزیر شد. شاه نیز افتخار اصلاحات ارضی و انقلاب سفید را به نام خود ثبت کرد و خود مجری اصلاحات شد.

دوره فترت دو سال و چند ماهه مجلس، برای ظاهر کشور مدعی دموکراسی چندان آراسته نبود. لذا به دستور محمدرضا پهلوی مقدمات انتخابات دوره بیست‌ویکم فراهم شد. هرچند که از حزب مردم اسکلتی بیش باقی نمانده بود، اما این حزب نیم‌مردم دوباره سازماندهی شد. پس از انتخابات مجلس بیست‌ویکم از بطن آن و از اعضای فراکسیون «کانون مترقی» حزب ایران نوین متولد گشت، و باز بازی اقلیت دائمی یعنی حزب مردم و اکثریت دائمی متغیر یعنی ایران نوین شروع شد.

حزب ایران نوین چهره جدیدی به عرصه سیاست ایران معرفی کرد: حسنعلی منصور. منصور چهره‌ای جوان و جویای نام بود که عده‌ای از باسوادترین تحصیلکردگان اروپایی و آمریکایی را در اطراف خود داشت، گروهی که می‌توانستند خواسته‌های شاه را نسبت به نسل سنتی باقی‌مانده از قبل بهتر برآورده سازند؛ و همین گروه با بازسازی مجدد تا واپسین سالهای حکومت رژیم پهلوی زمام امور را در دست داشتند. مجلس بیست و یکم در فضای سنگین سیاسی افتتاح شد. فضای نیمه آزاد دوره دکتر

امینی و وقایع شتاب آلود خرداد ۴۲ و کشتار تعداد کثیری از مردم بردوش این مجلس، که دست‌چینی از نخبگان مورد نظر شاه و دربار او بودند، سنگینی می‌کرد. نکته جالب توجه این مجلس تغییرات زیاد در ترکیب نمایندگان از نظر سن، جنس، تحصیلات و مشاغل بود. برای اولین بار در تاریخ پارلمانی ایران شش نفر از زنان وارد مجلس شدند. به لحاظ ترکیب سنی این دوره جوان‌ترین پارلمان ایران است و نزدیک به ۷۷٪ اعضای آن بین ۳۰ تا ۵۰ سال سن داشتند؛ و این امر حاکی از تصمیم قطعی رژیم به تغییر چهره سیاسیون قدیمی و استفاده از چهره‌های جوان بود به طوری که اکثر این نمایندگان برای اولین مرتبه به وکالت مجلس رسیده بودند (۷۸٪). به علت توسعه سازمانهای دولتی و اداری نزدیک به ۶۰٪ این نمایندگان از کارمندان دولت به حساب می‌آمدند. از نظر تحصیلات دانشگاهی این دوره پیشرفت خیره‌کننده‌ای دارد به طوری که ۶۷٪ نمایندگان دارای مدرک تحصیلات عالی بودند که در مقایسه با میزان ۴۸٪ دوره پیشین رشد خوبی را نشان می‌دهد.^۶

عبدالله ریاضی، یکی از همین راه‌یافتگان جدید مجلس، هنگامی که به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب می‌شود طی سخنانی تکلیف آینده این مجلس را درباره نحوه قانونگذاری چنین تبیین می‌کند:

مجلس شورای ملی که از عناصر پاک و شاهادوست و وطنخواه تشکیل یافته، با توجه کامل به اصول شننگانه مصوب ملی، اقداماتی را که برای بسط عدالت اجتماعی و تقویت کشاورزان و رفاه کارگران و تعمیم بهاء‌اشست و فرهنگ و توسعه صنایع و اکتشاف و بهره‌برداری از معادن و به طور کلی تأمین امنیت و بهبود زندگی عمومی و اعتلا و عظمت کشور لازم است در قالب قوانین مفید و ظایف خود را به طور کلی انجام خواهد داد.^۷

این مجلس از مهر ۱۳۴۲ سالی پرکار در پیش داشت؛ زیرا در دوره فترت دو ساله هیئت دولت لوایح بسیاری به تصویب رسانده بود که در این مجلس می‌بایستی به تصویب برسند و جنبه قانونی به خود بگیرند. قوانینی که در نوع خود از پرسروصداترین قوانین وضع شده آن دوره در ایران بود.

قانون احیای مجدد کاپیتولاسیون از مهم‌ترین قوانینی بود که در این مجلس به

۶. زهرا شجعی، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج ۴: نمایندگان مجلس شورای ملی، تهران، سخن، ۱۳۷۲، صص ۳۵۲-۳۶۶.

۷. یونس مرزباید، از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانونگذاری در دوران مشروطیت، ج ۳: مشروطیت سوم، تهران، نشر اوجدی، ۱۳۷۷، ص ۷۲۰.

تصویب رسید. علم با سیاست و زرنگی خاصی این لایحه را در اواخر نخست‌وزیری خود به مجلس فرستاد تا اجرای آن برعهده وزیرعدهی باشد. به همین دلیل در دولت منصور، با آنکه مخالفان زیادی نیز در مجلس داشت، به تصویب رسید که همین امر به ایراد سخنرانی مهم امام در قم انجامید که سروصدای زیادی در پی داشت.

قوانین مهم دیگری که این مجلس تصویب کرد، فهرست وار، عبارت‌اند از: لوائح ششگانه «انقلاب سفید»، قانون اصلاحات ارضی، قانون اجازه مبادله پنج قرارداد نفتی، قانون تفکیک وزارت فرهنگ به دو وزارت فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش... این مجلس، سرانجام، پیش از موعد به دستور شاه در ۱۳ مهر ۱۳۴۶ منحل شد و مجلس بیست و دوم در ۳۰ مهر ۱۳۴۶ افتتاح گردید.

دکتر محمد بقایی، نماینده همین دوره مجلس، پس از سه سال حضور در آن اقدام به تهیه گزارشی از ۱۱۷ نفر از نمایندگان این مجلس نموده و سعی کرده است رفتارهای شخصی و طرز تفکر و عملکرد تعدادی از نمایندگان را شرح دهد. وی نمایندگان را به چهار گروه پارلمانی، حوزه‌ای، حوزه‌ای پارلمانی و بی‌اثر تقسیم کرده است. در سند شماره دو که شش سال پس از سند شماره یک نگاشته شده است دکتر محمد بقایی تحلیلی نقدگونه از هیئت حاکمه و خصوصاً هویدا و حزب حاکم وی، یعنی حزب ایران نوین، ارائه داده است. وی، که خود از اعضای رده بالای حزب ایران نوین است و در فراکسیون پارلمانی این حزب در دوره‌های بیست و یکم و بیست و دوم شرکت داشت، ظاهراً به علت انتخاب نشدنش از سوی حزب برای دوره بیست و سوم مجلس ناراحتی زیادی از نظام حزبی موجود و دولت دارد به طوری که به شدیدترین نحو به عملکرد حزب و دولت هویدا می‌تازد و از صدر تا ذیل آن را به باد انتقاد می‌گیرد. حزب ایران نوین، در حقیقت، ادامه‌دهنده راه حزب ملیون دکتر اقبال بود که در نتیجه تقلبهای مجلس بیستم به نابودی کشیده شده بود؛ ولی، همان‌طور که گفته شد، چون شاه در این زمان هنوز می‌خواست به شیوه احزاب انگلیسی و آمریکایی به برقراری دموکراسی در ایران تظاهر کند حزب دیگری تأسیس کرد. هسته مرکزی حزب ایران نوین براساس تشکل دیگری به نام کانون مترقی ایجاد شده بود. این گروه زیرنظر حسنعلی منصور، دکتر ایرج مولوی، فریدون معتمدوزیری و امیرعباس هویدا با سی نفر دیگر از اعضا شکل گرفته بود (اردیبهشت ۱۳۴۰). در این زمان کانون با تصویب اساسنامه‌ای شکل رسمی به خود گرفت. با عضویت نزدیک به دویست نفر از مسئولان کشور به این کانون، این کانون نزدیکی بیشتری به شاه پیدا کرد. در خرداد ۱۳۴۲ شاه اعلام کرد که کانون مترقی به عنوان دفتر مطالعات اقتصادی و اجتماعی شاه تعیین خواهد شد و در آینده کلیه اموری که مورد علاقه‌اش باشد به وسیله این کانون مورد بررسی قرار خواهد



محمدرضا پهلوی و نقر دوم سمت چپ محمد بقایی یزدی | ۱۴۳۵-۱-۱۳پا

گرفت. با اعلام رسمی این نظر، شامه بسیاری از دولتمردان تیز شد و با حضور تعداد کثیری از تکنوکراتهای جدید این کانون مرکزیتی برای خود پیدا کرد. حضور موفقیت‌آمیز کانون در انتخابات دوره بیست‌ویکم دلیل محکمی بر پشتیبانی شاه بود.^۸ نمایندگان کانون مترقی فراکسیون خود دو مجلس را تشکیل دادند و در حالی که تعدادشان به صد نفر می‌رسید همراه با بیست و دو نماینده گروه دهقانان و سیزده نماینده گروه کارگران اکثریت مجلس را با تشکیل «ائتلاف نهضت ششم بهمن» به دست آوردند. در آبان آن سال نمایندگان این ائتلاف به حضور شاه رسیدند و «حزب ایران نوین» رسماً تشکیل شد و متعاقب آن حسنعلی منصور به نخست‌وزیری رسید. حاکمیت این حزب از اسفند سال ۴۲ تا اسفند ۱۳۵۳، که نظام دوحزبی به تک حزبی تغییر یافت طولانی‌ترین دوران حاکمیت توأمان یک حزب بر هیئت حاکمه و مجلس به شمار می‌رود. این حاکمیت طولانی نتایج بسیاری به بار آورد که به نظر یکی از نویسندگان چنین است:

حزب ایران نوین سازمانی سیاسی بود که دربار برای اعمال کنترل بر مجلس و حکومت و نیز برای اعمال سیاستها و اصلاحات خود ایجاد کرده بود. بنابراین حزب مزبور ابزاری در ساخت جدید قدرت مطلقه به شمار می‌رفت... حزب ایران نوین نخستین حزب درباری بود که توانست با موفقیت بر مجلس و قوه مجریه مسلط گردد. از نظر ایدئولوژی رسمی، هدف حزب آن بود که علائق و منافع گروه‌های اجتماعی مختلف را در ذیل سازمان خود گردآوری کند. حزب ایران نوین در واقع مولود پیروزی دربار در نزاع قدرت بود و بر تمام اتحادیه‌های کارفرمایی، اتحادیه‌های کارگری، اصناف بازار و تعاونیهای روستایی کنترل داشت. مثلاً اتاق تجارت که مشتمل بر ۲۵ فدراسیون تجاری بود تحت نظارت حزب قرار داشت. در سال ۱۳۴۳ کنفرانسی اقتصادی میان حزب ایران نوین و اتاق تجارت با منظور طرح مسائل بازرگانان در خصوص مالیات، اعتبارات و گمرکات تشکیل

۸. دکتر حسین خطیبی نایب رئیس مجلس بیست‌ویکم درباره این دوره از انتخابات می‌گوید:

انتخابات به هیچ‌وجه آزاد نبود و کاملاً تحت نظر شاه بود و صلاحیت همه نمایندگان و نامزدها باید قبلاً به تأیید شاه می‌رسید. شاه در مورد افراد از طریق ساواک و گزارشهایی که سازمانهای اطلاعاتی و ایسته به او تهیه می‌کردند نظر خود را اعلام می‌کرد. در انتخابات دوره بیست‌ویکم شاه برای آنکه ظاهری آزادانه به انتخابات دهد علاوه بر روش فوق از طریق کنگره آزاد مردان و آزاد زنان به این کار اقدام نمود. حسنعلی منصور و آقایان احمد نفیسی، عباس سالور، عطاءالله خسروانی، حسین زاهدی و چند تن دیگر کارگردانان این کنگره بودند. در این کنگره اسامی نامزدهای هر حوزه معین و اعلام شد. حسین خطیبی، «پهلوی از سردرگمی تا خودکامگی»، گفت‌وگو از مرتضی رسولی، تاریخ معاصر ایران، سال دوم، ش ۷ (پاییز ۱۳۷۷)، ص ۲۳۶.

گردید و حزب وعده داد که مشکلات مزبور را حل کند. همچنین حزب همه اتحادیه‌های کارگری ثبت شده را تحت کنترل درآورد... کوششهایی نیز به منظور اعمال سلطه حزبی بر اصناف بازار صورت گرفت. بیشتر و براساس قانون اصناف سال ۱۳۳۶، اصناف تنها با اجازه حکومت می‌توانستند تشکیل گردند. در سال ۱۳۵۰ اصناف تحت نظارت مستقیم حزب قرار گرفتند... از نقطه نظر منازعات سیاسی، با تشکیل حزب، دسترسی به مجلس محدود گردید. کاندیداها به وسیله حزب گزینش می‌شدند. کنوانسیون حزب اسامی کاندیداها را اعلام می‌کرد و برنامه‌ها و سیاستهای حزبی را ترسیم می‌نمود. حزب، بدین‌سان، از طریق کنترل قوه مجریه و پارلمان وسیله مؤثری در دست دربار برای اعمال کنترل بر قانونگذاری به شمار می‌رفت. در هر هفته در دربار نشستی میان شاه و کابینه به منظور بحث از مسائل نیازمند به قانونگذاری و، به ویژه، مسائل اقتصادی تشکیل می‌گردید. این نشست شورای عالی اقتصادی خوانده می‌شد و منشأ اصلی لوایح قانونگذاری بود که به وسیله کمیته اجرایی حزب به مجلس تقدیم می‌شد.^۹

مهم‌ترین نتیجه تشکیل چنین احزاب فرمایشی، مانند ایران‌نوین و سپس حزب «فراگیر» رستاخیر ملت ایران، علاوه بر تأثیر مهم سیاسی خود که همانا ایجاد انسداد سیاسی برای شکل‌گیری یک دموکراسی واقعی در ایران بود، به ابزاری تبدیل شدند که شاه، با توجه به کرنشها و چاپلوسیهای اعضای هیئت حاکمه خود که برآمده از همین احزاب بودند، به استمرار حاکمیت مطلقه خود پای بفشارد و همه چیز را در وجود شخص خود ببیند که حتی دموکراسی و آزادی نیز «باتوشیح همایونی» به مردم «اعطا» شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۹. حسین بشیریه، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، گام نو، ۱۳۸۰، صص ۸۵-۸۶.

درباره مجلس شورای ملی در دوره بیست و یکم

مقدمه

[۱۳۲۵]

این گزارش وقتی تنظیم می‌شود که درست سه ربع از عمر مجلس بیست و یکم سپری شده است. امروز من می‌توانم، تا حد نزدیک به یقین، در اطراف صفات و خصائل و موجودیت نمایندگان فعلی و ارزش آنان در مسیری که کشور ما در آن قرار گرفته است و همچنین ارزیابی خدمت مجلس فعلی در این خط سیر اظهار عقیده نمایم.

آنچه من در اطراف یک نماینده می‌نویسم در حقیقت بیوگرافی نیست؛ زیرا به گذشته آنان چندان توجه ندارم و معتقدم گذشته افراد به طور قطع یقین وضع آنان در آینده نیست بلکه چیزی که از لحاظ ما اهمیت دارد کیفیت وجودی اشخاص در تطبیق و تناسب با روش فعلی و ارزش فکری و عملی آنان در ساختن بنایی است که فعلاً پی‌ریزی شده است. و گذشته اشخاص تا آنجا باید مورد توجه قرار گیرد که از نظر افکار عمومی زنده و غیرقابل هضم نباشد.

من نمایندگان این دوره را پس از سه سال آشنایی و توجه به خواص و روحیات و طرز تفکر و عمل آنان به چهار دسته تقسیم کرده‌ام:

دسته اول، پارلمانی - نمایندگانی هستند که در امور مربوط به پارلمان مانند یک کارمند وظیفه‌شناس عمل نموده در تدوین و حکم و اصلاح قوانین و اجرای آیین‌نامه مجلس کوشا بوده و بیشتر هم خود را به امور داخلی مجلس مصروف می‌دارند.

دسته دوم، حوزه‌ای - نمایندگانی هستند که تمام هم و فکرشان متوجه حوزه انتخابیه خود بوده و دائم در فکر رفاه حال مردم و عمران منطقه و اصلاح وضع اجتماعی محل و خلاصه تثبیت وضع خود در حوزه انتخابیه می‌باشند و خدمت در پارلمان را در حقیقت وسیله اجرای این هدف قرار داده و حقیقتاً تلاش بعضی از آنان در خور ستایش است.

دسته سوم، حوزه‌ای و پارلمانی - نمایندگان معدودی هستند که هم وظیفه پارلمانی خود را به نحو احسن انجام می‌دهند و هم خدمات اجتماعی خود را برای حوزه مربوطه یا برای کشور به شایستگی دنبال می‌کنند.

دسته چهارم، بی‌اثر - که نه از نظر پارلمانی و نه از نظر حوزه‌ای هیچ‌کدام واجد اثری نبوده و اغلب اوقات به صرف جای و انتقادات خفیف بی‌اثر مشغول بوده که خوشبختانه تعداد آنان بسیار کم است.

برای آن که ارزش این تقسیم‌بندی محفوظ بماند نمایندگان را برطبق این تقسیم‌بندی مجزا کرده و هر یک [را] در دسته مربوطه به خود قرار می‌دهم و بدیهی است سعی

خواهم کرد تا آنجا که ممکن است [مجموعه صفات شخصی، قدرت عملی، طرز تفکر و خواص و ارزش وجودی هر یک را در راه خدمت به شاه و میهن به صورت ستاره نمایش دهم و از حداکثر ۴ ستاره که بالاترین درجه باشد استفاده نمایم].^{۱۰}

دسته اول، حوزه‌ای، پارلمانی

۱. مهندس عبدالله ریاضی ****

مقدم بر همه خصائل، او مردی است که خیلی می‌داند و شاید جزو رجال بسیار نادر کشور است. او از زراعت مکانیزه تا ذوب آهن و از لوله‌کشی و آبیاری و تا برنامه تحصیلی مدارس از پتروشیمی تا سدسازی و آنچه لازمه زندگی امروزی است در حد استادی، علم و اطلاع دارد در آن باب اظهار عقیده کند. او در عین سادگی و فروتنی به همه مشکلات با حساب ریاضی پاسخ می‌گوید و هرگز در برابر مشکلات ابرو درهم نمی‌نماید.

بعضی از نمایندگان از شیوه ریاست کردن او ایراد می‌گیرند و از وی آداب پارلمانی را انتظار دارند ولی من می‌دانم که مسئله امور داخلی مجلس تنها قسمتی از فکر این دانشمند را اشغال کرده است و بدیهی است گاهی بی‌توجهی از مسائل داخلی موجب دردسر و تظاهرات نامناسب خارج از مجلس خواهد شد. گاهی مشکلات قانونی و قسمتهای گنگ و بلا تکلیف آئین نامه‌ها را با قوانین ریاضی حل می‌کند. البته متعصبین حقوقی به او ایراد می‌گیرند. او معتقد است امروز شالوده هستی بر ریاضیات و حساب بنا شده و بدیهی است آئین نامه داخلی مجلس که اگر از این اصل تبعیت کنند، به نظر مهندس ریاضی، گناهی انجام نگردیده است؛ فی‌المثل، هنگامی که هیئت منتخب مجلس شورای ملی برای کمیسیون مشترک اصلاحات ارضی انتخاب می‌شدند آقای مهندس پرویز بهبودی ۱۶ رأی، مهندس ناصر بهبودی ۸ رأی و ۹ رأی به نام مهندس بهبودی تنها بود که چون اسم کوچک نداشت بایستی باطل شود؛ و بالتبجه، مهندس پرویز بهبودی که حقاً باید با ۲۴ رأی اول شود به کلی از لیست حذف می‌شد. در اینجا خصلت حسابگری، ریاست را به تقسیم رأی واداشت و طبق [قاعدۀ] تسهیم به نسبت، ۶ رأی را به پرویز بهبودی و ۳ رأی را به ناصر بهبودی بخشید. این کار به نظر متعصبین حقوقی که پایبند قوانین و مقررات هستند سخت بود ولی برای یک معلم ریاضی بسیار عادی و عادلانه بود.

به هر صورت، او مرد بزرگی است. اگر بعضی کارمندان مجلس از حسابگری و

۱۰. دکتر بغای بیج در چند نفر اول درباره بقیه افراد این مسائل را ملحوظ نکرده است.

حساب‌کشی او به تنگ آمده‌اند برای این است که ریخت‌وپاش دوران سردار فاخر در دوره یک معلم ریاضی نمی‌تواند باقی بماند. ولی در عین حال، وقتی هم که ضرورت ایجاد کند از خرج مضایفه ندارد بلکه قدری هم سخاوتمند است. احترامی که دولت و مجلسیان برای او قائل‌اند تنها بستگی به مقام او ندارد؛ این احترام یک معلم است که فضیلت او همه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. او برای نشان دادن راه نو راهنمای شایسته‌ای است و بهتر از هرکس می‌تواند نیات بلند شاهنشاه را تعبیر و تفسیر نماید. ساعت ۷ صبح در مجلس حاضر می‌شود و از کار گلکاری و آب‌پاشی گرفته تا انتظامات مجلس و حضور و غیاب کارمندان و اشکالات خصوصی آنها و از آبدارخانه گرفته تا وضع فرش و قالی و تابلوهای کمال‌الملک رسیدگی می‌کند.^{۱۱}

او از وضع چاههای عمیق یزد و کمره، راه بافق و معادن آهن آن تا آبدهی سد گلپایگان و کانال کرخه دز، از وضع دستیافان یزد و راه کمک به آنان تا کشاورزی جیرفت و طرق بهره‌برداری آن، از زراعت مکانیزه خوزستان و طرز آبیاری در آن و از مشکلات صنایع اصفهان تا اشکالات فنی راه اوشان و فشم همه‌وهمه را به خوبی می‌داند و مثل اینکه همه اشکالات و راه‌حلهای کشورش را به طور فرموله از حفظ دارد. او در عین آنکه به بهداشت بنادر جنوب کمک می‌کند به ساختمان راه فرعی فشم و بیمارستان دماوند و ماشینهای نیمه اتوماتیک نساجی یزد و مهاجرت کشاورزان یزدی به خوزستان نظارت کرده و مرتب پرسش و راهنمایی می‌نماید. او استاد بزرگی است و اگر به بعضی ستنهای پارلمانی که لازمه اداره مجلس و نظم آن است توجه بیشتری مبذول دارد مسلم در راندمان کار مجلس و یکدلی و یکرنگی نمایندگان اثر بهتر و شایسته‌تری دارد.^{۱۲}

۱۱. دکتر حسین خطیبی نایب رئیس اول عبدالله ریاضی در مورد وی چنین می‌گوید:

مهندس ریاضی مجلس را هم به مانند دانشکده اداره می‌کرد و با نمایندگان مانند شاگردان خود رفتار می‌نمود... ریاست جلسات را معمولاً خود او به عهده داشت. سر وقت می‌آمد و جلسه را تشکیل می‌داد مگر اینکه اتفاق خاصی بیفتد یا نظر خاصی باشد که او اداره جلسه را به نواب واگذار کند که در این مورد معمولاً آن را به من واگذار می‌کرد. مرد بسیار مرنبی بود. در اداره امور مجلس بسیار سختگیر بود و زیر بار توقعات کارمندان نمی‌رفت. به این جهت کارمندان هم به او نظر خوبی نداشتند و وقتی تعبیر کرد این تغییر را با حسن قبول تلقی کردند و از این پیش‌آمد خوشحال بودند. مزید براین چون یک نوع دنباله‌روی از رئیس مجلس سنا می‌کرد و شخصیتی از خود بروز نمی‌داد به همین جهت هم همیشه مورد ایراد نمایندگان بود. حسین خطیبی، «پهلوی دوم از سردرگمی تا خودکامگی»، پیشین، ص ۲۵۲.

۱۲. دکتر علی بهزادی معتقد است که کارگردانهای حکومت در آن زمان رئیس مجلسی با شرایط خاص جهت مجلس دوره بیست و یکم می‌خواستند که طبق آن رئیس مجلسی باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱. بدنام و مشهور به فساد نباشد. در عین حال زیاد هم «خوشنام» نباشد. بهتر از همه «گمنام»

بودن است.

۲. دکتر حسین خطیبی (عضو حزب ایران نوین) ***

نایب رئیس اول مجلس شورای ملی و مدیر عامل شیروخورشید سرخ ایران، مردی

→ ۲. نه زیاد جوان باشد نه خیلی پیر. چون رئیس مجلس معمولاً برای چند دوره مقام خود را حفظ می‌کند، شخصی در سن ۵۰ ایده‌آل است.

۳. احتیاجی نیست که رئیس مجلس حزب پاسدار انقلاب صاحب اسم و عنوان و دارای محبوبیت باشد، همین قدر که از احترام کمی در میان گروهی اندک برخوردار باشد کافی است. بقیه را تبلیغات دولتی می‌تواند درست کند.

۴. طرز کارش در مشاغل گذشته نشان بدهد که قدرت اداره کردن یک گروه را دارد.

۵. جاه‌طلب نباشد و دنبال ابتکارات شخصی نرود. از آنجا که رئیس مجلس به طور طبیعی در میان نمایندگان نفوذ پیدا می‌کند. یک رئیس مجلس جاه‌طلب می‌تواند برای دولت مزاحمت ایجاد کند. دکتر بهزادی می‌نویسد از جمله کسانی که در کنار ساواک، دربار، مشاوران شاه و کانون مرفقی دنبال رئیسی برای مجلس می‌گشتند یکی هم مهندس منصور روحانی رئیس سازمان آب بود که استادش در دانشکده فنی یعنی مهندس عبدالله ریاضی را معرفی کرد. وی هیچ‌گونه سابقه سیاسی و خدماتی مهمی نداشت از همه مهم‌تر کوچک‌ترین علاقه‌ای به دخالت در امور سیاسی نداشت. به این ترتیب وی کاندیدای نمایندگی تهران شد و به مجلس راه یافت. مضوعات چنان غوغایی کردند که همه از پیش می‌دانستند رئیس مجلس مهندس عبدالله ریاضی است.

دکتر بهزادی نحوه ریاست مهندس ریاضی بر مجلس را چنین توصیف می‌کند: مهندس ریاضی از همان نخستین جلسه که به ریاست مجلس انتخاب شد، چنان تسلطی بر مجلس و نمایندگان پیدا کرد که در تمام دوران مشروطیت ایران سابقه نداشت. البته این وضع مقداری هم به خاطر آن بود که نمایندگان دوره بیست و یکم با نمایندگان دوره‌های پیشین فرق داشتند. در این دوره ادعاهای بانخصیب - جز چند استثناء - به مجلس راه پیدا نکرده بودند.

مهندس ریاضی مجلس را مانند کلاس اداره می‌کرد. در نظر او نمایندگان می‌بایست سر وقت در مجلس حاضر شوند. ساکت بنشینند، با دقت به سخنان ناطق گوش بدهند و هنگامی که موفع رأی دادن فرا رسید مثل بجه‌های خوب و حرف‌شور ایشان را - که البته باید مشت باشد - در گلدان بیندازند. او به حضور و غیاب نمایندگان خیلی اهمیت می‌داد. کسانی را که غیبت غیرموجه داشتند و یا با تأخیر می‌آمدند جریمه می‌کرد. بسیار دیده شد به نماینده‌ای به خاطر صحبت کردن با پهلودستی‌اش با خشونت تذکر داد. اگر نماینده‌ای در نطق خود زیاده‌روی می‌کرد و یا به دولت یا یکی از وزرا حمله می‌کرد، مانع صحبت او می‌شد. حالا روشن شد چرا سردار فخر حکمت را انتخاب نکردند.

مهندس ریاضی به اصل تفکیک قوای سه‌گانه که اساس دموکراسیها را تشکیل می‌دهد معتقد نبود و با شاید اصلاً از این اصول آگاهی نداشت. در نظر او مجلس هم نظیر یکی از وزارتخانه‌ها مانند پست و نگراف، یا آب و برق؛ آنها کارشان رساندن نامه و تأمین روشنایی و آب بود. مجلس هم «وظیفه» داشت لوابیحی را که دولت می‌آورد «تصویب» کند. به این جهت در رأی‌گیری حتی حفظ ظاهر را نمی‌کرد. وقتی ضیق آیین‌نامه مجلس، موافق و مخالف سخنانشان را ایراد می‌کردند، اعلام رأی می‌کرد و بعد در صورتی که فواز بود لایحه تصویب شود بدون آنکه به خود زحمت بدهد، تعداد استاده‌ها و نشسته‌ها را بشمارد می‌گفت: «تصویب شد!» این کار او چنان در مجلس جا افتاده بود که گاهی وکلاد در صورت موافقت با لایحه به خود زحمت بلند شدن را نمی‌دادند. چون می‌دانستند مهندس ریاضی به «وکالت» از سوی آنها لایحه را تصویب شده اعلام خواهد کرد. علی بهزادی، شبه خاطرات، تهران، زرين، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۲۷۰-۲۷۴.



از راست: محمدرضا پهلوی، امیرعباس هویدا، جعفر شریف‌امامی و عبدالله ریاضی | ۱۹۵۵-۱ پ

ادیب است و تعداد کثیری شعر از بردارد. او بسیار زحمتکش و با پشتکار و فعال است. چندان متظاهر نیست ولی اطمینان دارد که خدمتش بی‌اجر نمی‌ماند. کار او در مجلس درخشان بوده و در تصحیح قوانین چندان تردید نمی‌کند. شیروخورشید را خوب اداره کرده و همه از او راضی هستند. تقریباً همه نمایندگان را با خدمات شیروخورشید در هر حوزه به شکلی از خود راضی کرده و همه به دوستی او ارزش قائل‌اند. و واقعاً خدمات شیروخورشید در بسیاری از نقاط محروم کشور ارزنده است. از این جهت، هنگام انتخاب، اکثریت و اقلیت به او رأی می‌دهند. نصیب نواب رئیس برای اداره مجلس بسیار کم بوده است (زیرا رئیس نه هرگز مریض می‌شود و نه ترک خدمت می‌کند). دکتر خطیبی نسبتاً هنگام کار مراقب و قدری مسلط است و تشخیصی هم دارد و البته نمایندگان هم به علت احتیاج رعایت می‌کنند؛ ولی روی هم رفته، او زندگی خصوصی را فدای خدمت عمومی نموده و همه اوقات خود را به کار مشغول است و باید گفت امین و راستگوست. و به طور کلی، چه از نظر مالی و چه از نظر عمومی، مرد با ارزش و زحمتکش و مؤثری به شمار می‌آید. عضو حزب ایران نوین است.^{۱۳}

۱۳. دکتر خطیبی درباره نحوه انتخاب شدنش برای مجلس چنین می‌گوید:

۳. امیر حسین فولادوند ****

مرد مطلعی است، دید وسیعی دارد، زبان فرانسه و انگلیسی را خوب می‌داند و مباحث روز را مطالعه می‌کند. ایمان او به شاهنشاه و طرحهای معظم‌له بی‌نهایت است. او برای هر یک از منویات شاهنشاه هزاران فلسفه و دلیل آماده دارد و از آنجا که تحصیلات او در رشته فلسفه می‌باشد به خوبی از عهده بیان برمی‌آید.

قدری عصبانی است و نسبت به اشخاص مادی و کسانی که کوتاه فکری دارند قدری تلخ و سخنگیر است. در دوستی زودرنج و در دشمنی قدری پایدار است. برآینده کشور بسیار امیدوار و نسبت به رهبری شاهنشاه واقعا مؤمن و از انتقاد بی‌اساس بسیار بیزار است.

او به علت عدم تجانس فکری با برادران ارشدش از سالها پیش تاکنون رنج فراوان دیده و اصولاً مردی زحمت‌کشیده است و اگر از خانواده‌های قدیمی و فنودال بوده ولی فنودالیسم میراث برادران بزرگتر بوده که از مادر مجزا بوده‌اند و رنج و دربه‌داری نصیب او. با برادرانش سخت مخالف است و آنها هم هنوز از هیچ‌گونه آزاری فروگذاری نمی‌نمایند و پس از اینکه از تحریکات محلی و تجاوزات میراثی نتیجه ندیدند حتی به تحریک همسر سابق او که به علت عدم تجانس و با میل از هم جدا شده بودند دست زده و آن را وسیله ناراحتی وی قرار داده‌اند.

فولادوند ضمن رسیدگی به امور پارلمانی با دقت به امور مردم الیگودرز و رفع ناراحتیهای آنان و رسیدگی به تظلم آنان از دست خوانین می‌پردازد و در فرصتهای فیمابین با نمایندگان به بحث و ارشاد و تعلیم آنان برای آماده نمودن ذهن و روشنی فکر

→ از خود اینجانب نیز که داوطلب نمایندگی نبودم درباره بعضی از داوطلبان و صلاحیت آنها برای احراز نمایندگی مجلس بررسی می‌شد که اغلب از مدیران عامل شیر و خورشید سرخ شهرستانها بودند. برای شهر لار یکی از افراد سرشناس آن شهر به نام آقای احمد اقتداری که مردی محقق و دانشمند هستند در نظر گرفته شد که البته منتهی در اینجا مشکل پیش آمد و آن اینکه چنانکه می‌دانید اهالی شهر لار شیعه‌مذهب هستند ولی اهالی حومه که اکثریت دارند غالباً اهل سنت هستند. به این مناسبت در ادوار پیشین غالباً نماینده شهر لار از اهالی آن شهر نبود... در آن زمان مرحوم باقر پیرنیا استاندار فارس بود و چون بیم غائله‌ای می‌رفت بدون اینکه من اطلاعی داشته باشم با تهران تماس می‌گیرد و می‌گوید اگر فلان کس یعنی مرا نامزد کنند، به واسطه شهرتی که در آن منطقه دارم همه مرا قبول خواهند کرد. این پیشنهاد به نظر شاه رسید و قبول شد... علم نخست‌وزیر بود. به من گفتند ایشان تلفن کرده و می‌خواهد با تو صحبت کند... با ایشان تماس گرفتم و قرار شد صبح روز بعد ایشان را ملاقات کنم. این ملاقات صبح روز شنبه اتفاق افتاد در حالی که روز سه‌شنبه همان هفته روز رأی‌گیری بود. ایشان به من گفت تو از لار باید خود را نامزد کنی. گفتم من علاقه‌ای به این امور ندارم و گذشته از آن فرصتی هم نیست. ولی استدلال من مورد قبول او قرار نگرفت و ناگزیر روز بعد به شیراز رفتم... و به این ترتیب به نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره بیست و یکم از شهر لار برگزیده شوم. حسین خطیبی، «پهنوی دوم از سردرگمی تا خودکامگی». پیشین، صص ۲۳۷ و ۲۳۸.

چون معلمی شایسته به کار می‌پردازد و در نتیجه در میان نمایندگان نفوذی شایسته و احترام‌آمیز دارد. مثلاً، دوره گذشته، با آنکه از طرف اکثریت نامزد نظارت شرکت نفت نبود مع‌هذا با اکثریت قاطعی انتخاب گردید. او در ارشاد و راهنمایی اکثریت و اصلاح اشتباه آنان تا حد بیشتر کوشش می‌کند. او مردی درست، بسیار صدیق و راستگو، نسبت به شاهنشاه با ایمان کامل و نسبت به آنچه می‌شود روشن‌بین و امیدوار است. در مجامع بین‌المللی نیز می‌تواند به آبرومندی شرکت نماید و از عهده تکلیف برآید. به سیاست جهانی آشنا و به غیر از زبان فرانسه و انگلیسی چون زبان مادری تسلط دارد و به چند زبان بیگانه دیگر نیز آشنایی دارد و در ادبیات فارسی و سرودن شعر فارسی نیز از ذوق کافی بهره‌مند است.^{۱۴}

۴. | محمدعلی صائب اصفهانی، پارلمانی - حوزه‌ای ****

عضو فر اکیون ایران نوین

به نظر من او | جالب‌ترین چهره مجلس بیست‌ویکم است. وجود او تجلی شایسته‌ای از انقلاب ششم بهمن به شمار می‌رود. درک او نسبت به وضع موجود کشور و راهی که باید رفت همان قدرست که یک استاد دانشمند و روشن. هنگامی که با کارگران صحبت می‌کند یک کارگر محبوب و برادر و هنگامی که در کمیسیون اقتصاد بر علیه مونتاز یا به نفع حمایت صنعتی صحبت می‌کند شبیه یک عالم اقتصاد بافهم است که انسان را به حیرت می‌اندازد. ایمان او برای | راهی که در پیش است حقیقی و ذهن او روشن و انتقاداتش توأم با راهنمایی است و او در حقیقت یک کارگر روشنفکر ناطق مردم‌دار خوش نیت، میهن پرست و شاهدوست است.

من پیش از آنکه او را ببینم وجود چنین فردی را در میان طبقه کارگر مشکل می‌توانستم تصور کنم وجود او برای طبق کارگر، برای صنایع کشور، برای اصفهان و برای همه مملکت بسیار ارزنده و مفید فایده است.^{۱۵}

۵. | سیدمحمدعلی مرتضوی، اهواز، پارلمانی - حوزه‌ای ****

عضو فر اکیون ایران نوین

همیشه سخنانش با تعدادی ضرب‌المثل ادبی همراه است. او یک تاجر تحصیل کرده است ولی هم تحصیلات حقوقی خود را خوب به انجام رسانیده و هم معنی تجارت و خدمت به مردم را درک کرده است. بسیار سنجیده و پخته است به تمام لوایحی که در

۱۴. امیرحسین فولادوند نماینده دوره نوزدهم از خرم‌آباد و دوره‌های بیستم تا بیست و دوم از الیگودرز.

۱۵. وی نماینده چهار دوره، دوره بیست‌ویکم تا بیست و چهارم از اصفهان بود.

مجلس طرح می‌شود با دقت توجه می‌کند و اغلب نقاط ضعف آن را اصلاح می‌نماید به خصوص در تنظیم و تنقیح قوانین مالی و اقتصادی تخصص کاملی دارد و هم دولت و هم مجلس به بصیرت و دانایی او اعتماد دارند. از وضع حوزه خود و به طور کلی خوزستان از هر جهت مطلع است و می‌توان او را خوزستان شناس واقعی معرفی کرد. او از تاریخ تمام قصبات و دهات تا شهرها و سدها و پلها و سابقه تاریخی و اجدادی عشایر عرب و تاریخ سیاسی و اقتصادی اطلاع کامل دارد و در حدود هزار هکتار شورزار خارج اهواز را با صرف مبلغی کثیر شیرین کرده ولی، طبق قانون فعلی خالصجات، باید مسترد کند و لطمه بزرگی خواهند دید. روی هم رفته، نماینده شایسته‌ای است و نظریات با ارزشی دارد.^{۱۶}

۱۶ | ابوالقاسم پاینده، نماینده نجف‌آباد اصفهان، منتسب به فراکسیون مستقل در مجلس معروف به استاد پاینده، نویسنده، مؤلف از نخستین رؤسای تبلیغات و انتشارات کشور، مترجم و مفسر قرآن.

با آنکه سابقاً در کسوت طلبگی بود، و خود را از مفسرین قرآن و مجتهد می‌داند از نظر اخلاقی چنان پاک نیست؛ از نوشیدن مشروب در میان جمع ابایی ندارد و در سفر اخیری که به دعوت شرکت نفت به جنوب رفته بوده شبانه در خرمشهر در جست‌وجوی گوشه خلوت و عیش شبانه برآمده بوده است. اغلب سخنانش در مجامع خصوصی با ضرب‌المثل‌های مستهجن همراه است. اصولاً با مخالفت‌های بی‌مورد و انتقادات بی‌اساس احترام خود را در مجلس شکسته و از نظر اکثریت مردود و از نظر اقلیت بی‌اعتبار گردیده است.

او سی سال پشت در مجلس معطل بوده و فعلاً که راهی به درون یافته مایل است عقده سی ساله را یکجا خالی کند. او بسیار ریاست‌طلب است و برای همین صفت چندین مرتبه با دشمنی بی‌علت نسبت به سرتیپ پور (رئیس فراکسیون مستقل) وضع داخلی فراکسیون مستقل را به هم زده. یک مرتبه از فراکسیون اخراج شد ولی خودش مجدداً برگشت. او عشق عجیبی به سمت نیابت ریاست مجلس دارد و اصرار دارد که در انتخابات نایب رئیس نامزد باشد ولو اینکه ۱۰ یا ۱۵ رأی بیاورد. دنبال کار حوزه خود می‌رود ولی اغلب مشغول عوض کردن رؤسای ادارات است و گاهی تأمین آب و برق محل. روی هم رفته، وضع ثابتی ندارد و در دوستی ناپایدار ولی در دشمنی پاینده است. او برای مجالس زمانهای گذشته و تحریکات و تشنجات آن بهتر بود تا مجلس فعلی. و به

۱۶. نماینده دو دوره بیست و یکم و بیست و دوم از اهواز.

هر حال، فعلاً، با وضع موجود، چاره‌ای جز ساختن و گله‌کردن ندارد. به تاریخ مخصوصاً مسائل مربوط به کشورهای عربی آشنایی کامل دارد.^{۱۷}

[۷] دکتر منوچهر کلالی، نماینده مشهد، فراکسیون ایران نوین

مدت کوتاهی معاون وزارت کار بوده و از دوستان آقای خسروانی است. بسیار کم حرف و مودبی است و عقاید خود را قبلاً به نمایندگان کارگر توسط قراچورلو تلقین می‌کند. میل دارد او را کارگردان مجلس بشناسند. (و از اینکه بعضی او را با دکتر طاهری مقایسه کنند خوشحال می‌شود.) با آنکه اسماً خواجه‌نوری لیدر اکثریت است ولی در حقیقت تصمیمات از ناحیه او سرچشمه می‌گیرد و توسط او تلقین می‌شود. نظر به سوابق جیبی که به وی نسبت می‌دهند در مشهد چهره مقبولی ندارد. همسر او فرانسوی است و در شرکتهای مقاطعه‌کاری فرانسوی کار می‌کند (شرکت سیترا). رفتار او نشان می‌دهد که عقیده دارد فعلاً که کار به دست او افتاده است تا سرحد امکان برای اشغال پستها و مناصب به دست دوستان، چه در مجلس و چه در دولت، باید استفاده کرد. روی هم رفته، استطاعت و استحقاق وضع اجتماعی فعلی خود را ندارد.^{۱۸}

[۸] محسن خواجه‌نوری، نماینده شمیرانات، لیدر فراکسیون ایران نوین

از دوستان صمیمی منصور بود و از نظر خصائل با آن مرحوم فرق بسیار دارد. آدم بسیار نجیبی است. مایل است هیچ‌کس را نرنجاند. قیافه متین و نجیبی دارد و ضمناً بسیار عصبی است و زود کنترل خود را از دست می‌دهد. در نطق نیز ضعیف و کنترل حرف خود را از دست می‌دهد و گاهی اشتباهاتی می‌کند که به سختی مجبور است آن را تصحیح کند و در این موقع اگر کسی اشتباه او را متذکر شود خود را می‌بازد. پس از رفتن منصور، او لیدر اکثریت شد ولی هرگز نتوانست تسلط منصور را بر این دسته اعمال کند؛ فقط او سپر اکثریت در برابر اقلیت و مخالفین شد. بسیار زودرنج است. خود را از خدمتگذاران قدیمی مملکت و بیمه‌های اجتماعی می‌داند و بر روی هیچ‌یک از دستجات اکثریت نفوذی ندارد و در حقیقت آلت دست سردمداران اکثریت است. گرچه مدافعات او از لوایح و عقاید اکثریت بسیار ناشیانه است ولی به پاس نجابت و انسانیت او کمتر مورد حمله قرار می‌گیرد.

ضعف او در رهبری و کج فکری چند نفر کارگردان اغلب باعث رنجیدگی اقلیت و زمانی موجب تشنج می‌شود. برای حوزه خود، به خصوص گلندوک و لواسانات، تلاش

۱۷. نماینده دو دوره بیست و یکم و بیست و دوم از نجف‌آباد.

۱۸. نماینده دو دوره بیست و یکم و بیست و دوم از مشهد.

فراوان می‌کند و بدیهی است با نفوذی که طبعاً به علت مقام خود دارد تا حد زیادی موفق به تأسیس دبستان و دبیرستان و درمانگاه و تصحیح راه و غیره شده است. در حوزه انتخابیه خود که قسمتی از آن املاک وی بوده نفوذ و محبوبیت فراوانی دارد؛ زیرا خدمت او در حقیقت بی‌شائبه و مردم دوستی او بی‌ریاست. او اگر برای لیدری اکثریت فعلی و کنترل آنان قدرت کافی ندارد ولی برای حوزه انتخابیه خود یک نماینده واقعی است و در انجام کارهای عام‌المنفعه و امور مربوط به مردم تلاش وافری دارد. در زمان خدمت دولتی کارمند شایسته و صادقی بود. و در مجلس مورد احترام است.^{۱۹}

۱۹] دکتر علی‌اکبر حکیم شوشتری - شوشتر، عضو فراکسیون ایران نوین

پزشک دندانساز است. لسانس حقوق هم گرفته و مدتی به وکالت دادگستری و شرخری مشغول بوده و بعضی حقوق ضایعه را تعقیب می‌نموده و چند صباحی در یکی از بیمارستانهای روحی تهران بستری بوده هنوز هم این اختلال مشاعر از رفتار و اعمال او پیداست.

چندی شهردار انتخابی اهواز بود و در گرفتن پاداش و حق‌الزحمه اصرار داشته فعلاً که وکیل است در تعقیب دستمزد به مبلغ هزار تومان برآمده است که از شهرداری اهواز اخذ نماید ولی تاکنون موفق نگردیده.

مدتی سعی کرد جزو لیدرهای اکثریت درآید ولی به مخالفت‌های داخلی برخورد کرد. راجع به اشخاص اظهارنظر می‌کند ولی هرگز نظر او منشأ واقعی نداشته و هرکس را که کوچک‌ترین برخوردی با او داشته است بی‌ارزش معرفی می‌کند. خیلی به میانداری علاقه دارد ولی کسی او را قبول ندارد. فعلاً روزنامه‌ای گرفته است تا بدین وسیله اعمال نفوذ در خوزستان بنماید. به علت روابط صمیمانه‌ای که با ارتجاع قدیمی خوزستان دارد مورد طعن و لعن نمایندگان فعلی است و نسبت به او بدبین هستند. روی هم رفته، آدم معتدلی نیست و نمی‌تواند مورد اعتماد قرار گیرد. روزنامه خاک نفت را هم منتشر می‌کند.^{۲۰}

۱۰] مهندس غلامرضا آصفی، تربت جام، فراکسیون ایران نوین

سابقاً رئیس کشاورزی و اصلاحات ارضی خراسان بوده. بسیار باهوش و خوش برخورد است. در مورد اجرای قانون اصلاحات ارضی با سیدجلال‌الدین تهرانی

۱۹. نماینده دوره بیست و یکم و بیست و دوم از شیراز.
 ۲۰. نماینده دو دوره بیست و یکم و بیست و دوم از شوشتر.

استاندار وقت مبارزات دامنه‌داری داشته و بالاخره او را شکست داده و موجبات رفتنش را از خراسان فراهم آورد.

طبق بعضی گزارشات موجود، در اصلاحات ارضی کارش در خراسان چندان تمیز نبوده است و متهم به سوءاستفاده است. از اول کارپرداز بوده و رهبری خود را توسط آقای سالور بر نمایندگان اصلاحات ارضی و کشاورزان تحمیل نموده و طبعاً جمع نسبتاً زیادی در اختیار دارد که باید به توقعاتش جواب دهند. برای او کارپردازی مجلس کفایت می‌کند و به دیگر جریانات کاری ندارد و اصولاً مانند کسان دیگری که اهل حوزه نیستند در برگزاری امور مربوط به حوزه چندان تلاشی ندارند.^{۲۱}

۱۱۱. فیلیکس آقایان، نماینده ارامنه شمال، فراکسیون ایران نوین

آهسته به مجلس وارد می‌شود، در جای خود می‌نشیند و در هر لایحه‌ای چند پیشنهاد اصلاحی می‌دهد. و نطق او برای نمایندگان جالب و گاهی هم انتقادات او صحیح است ولی اغلب پیشنهادات خود را پس می‌گیرد. اصولاً به تنقیح و تصحیح لوایح علاقه زیادی دارد، به اصول حزبی پای‌بند است و معتقد است به هر صورت باید انضباط حزبی را مراعات کرد.^{۲۲}

۱۲. محمدعلی آموزگار، بندرلنگه، عضو فراکسیون مردم

از دوستان آقای علم محسوب است. نماینده مردم دوست و نیک‌نفسی به شمار آمده است. برای مردم جنوب و بنادر جنوب دلسوزی فراوان می‌کند. در کمیسیون اقتصاد مرتب طرح‌هایی برای بهبود مردم جنوب ارائه می‌دهد. طرح مبادلات مرزی و ورود کالاهای بدون گمرک و احیای صنعت صدف‌سازی و کمک به صیادان مروارید و صدف و جایزه به صادرکنندگان صدف تماماً از پیشنهادات اوست و به طور کلی وکیل حوزه‌ای کاملی است.^{۲۳}

۱۳. ابوالحسن احتشامی، عضو فراکسیون ایران نوین

روزنامه‌نویس و نویسنده بوده گاهی در سرسرا می‌نشیند و قلیان می‌کشد. باسعید وزیرری زوج پارلمانی هستند که اغلب با هم هستند و جمع یاران را تشکیل داده‌اند که از هر فراکسیون و تعدادی از خارج عضوهایی دارد. هدف آنها خدمت به شاه و میهن

۲۱. فقط یک بار و در دوره بیست و یکم از شهر تربت جام به مجلس آمد.

۲۲. نماینده سه دوره نوزدهم تا بیست و یکم مجلس.

۲۳. نماینده چهار دوره بیست و یکم تا بیست و چهارم مجلس از بندرلنگه.

است، خارج از هرگونه تعصبات حزبی و پارلمانی؛ ولی تاکنون طرحی یا برنامه‌ای ارائه نداده‌اند و از صورت جلسات شبانه خارج نگردیده است. وجهه بدی ندارد و گاهی برای حوزه خود اقداماتی می‌کند و در بعضی موارد از رویه اکثریت، که خود عضو آن است، انتقاد می‌نماید.^{۲۴}

۱۴. | صادق احمدی، منفرد

دادستان سابق طهران بوده، به خدمت قضایی خود افتخار می‌کند. قاضی پاک و شجاعی بوده، در انتقاد تند و سختگیر است. گاهی طرحهای حقوقی تسدی پیشنهاد می‌کند که مورد تأیید دولت نیست ولی به طور کلی با فساد در دستگاههای دولتی و با انتشارات و روزنامه‌های عکسی که برای تیراژ خود به جعل اکاذیب و یا چاپ تصاویر سکسی می‌پردازند سخت مخالف است و مبارزه می‌کند. در مجلس وجهه خوبی دارد و برای مردم حوزه خود نیز خیلی دلسوز و مدافع است. انتقادات او اغلب مورد تأیید همه مجلس قرار می‌گیرد و در مدت دو سال منشی‌گری مجلس، اغلب حامی حقوق اقلیت بوده و تکیه‌گاهی برای آنان محسوب می‌شود. در مورد مخارج زائد در دستگاههای دولتی یا تبعیض، سخت برآشفته می‌شود و مخالفت می‌کند. روی هم رفته، مردی مهن‌پرست، شاهدوست و قابل اعتماد است و اخیراً، پس از سه سال انتقاد، برای انتخابات آینده اجباراً به حزب ایران نوین پیوست.^{۲۵}

۱۵. | مهندس عباس اخوان، از مشهد، عضو فراکسیون اکثریت (ایران نوین)

از مهندسين با تجربه کشاورزی است، در وزارت کشاورزی خوشنام و در مشهد مورد تأیید مردم است. در امور مربوط به کشاورزی در نقاط مختلف کشور صاحب‌نظر است. آدم نیک‌نفسی است و نسبت به حوائج خراسان و مرتفع نمودن آن تلاش می‌کند.^{۲۶}

۱۶. | مهندس حیدرعلی ارفع، داراب، فراکسیون ایران نوین

از لیدرهای کشاورزان و نمایندگان اصلاحات ارضی است. نسبت به نمایندگان کشاورزی از حیث اداری ارشدیت داشته و شخصاً به احترام خود خیلی پایبند است. اغلب بجای لیدر اکثریت به دفاع از دولت و لوایح آنها می‌پردازد. مبتلا به بیماری قلبی

۲۴. نماینده دوره بیست و یکم از مرند و بیست و سوم از میاندوآب.

۲۵. نماینده فقط یک دوره از شهر سنقر کلیایی بود.

۲۶. نماینده دو دوره بیست و یکم و بیست و دوم از مشهد.

است و مدتی هم به علت سکنه قلبی بستری بود. با مختصر تحریک عصبی سرخ می‌شود و عصبانی به نظر می‌رسد. اطلاعات کشاورزی او خوب است و مورد تأیید مهندسين کشاورزیست.^{۲۷}

۱۷۱. دکتر ملک منصور اسفندیاری، کرمان، پارلمانی حوزه‌ای، عضو فراکسیون مردم در رسیدگی به امور حوزه خود و دوندگی و علاقه به اصلاح امور حوزه‌ای در مجلس بیست و یکم نظیر ندارد. چون از استان کرمان، او تنها وکیل تحصیل کرده و مطلع است نه تنها کارهای کرمان بلکه کارهای حوزه‌های دیگر کرمان را هم شخصاً تعقیب و انجام می‌دهد. چون هم قاضی بوده و هم شهردار کرمان به کارهای عمرانی و اجتماعی کاملاً وارد است و مرتب مشغول بستن قرارداد برای اسفالت و لوله‌کشی شهرها و بخشهای کرمان است و به طور متوسط ماهیانه در حدود سیصد تومان تلگراف با کرمان و توابع مبادله می‌نماید و هنگامی که کاری برای حوزه‌ای انجام گرفت به وکیلش اطلاع می‌دهد که به نام خود انجام آن را تلگراف نماید.

او دارای در فلسفه و امور اجتماعی از آمریکاست و تحصیلات خود را به خوبی به پایان رسانیده است. او از بس برای کارها به سازمان برنامه مراجعه نموده است بهترین کارشناس امور سازمان برنامه است و اغلب نمایندگان برای اجرای کارهای عمرانی خود از او راهنمایی می‌خواهند. در انتقاد گاهی تندرو و صریح‌اللهجه است. مورد توجه و علاقه بسیاری از نمایندگان است.

در حکم و اصلاح لوایح، به خصوص لوایح قضایی، تخصص دارد و اغلب پیشنهاداتش مورد قبول اکثریت واقع می‌شود. چندان جاه‌طلب نیست ولی سعی فراوان دارد که کرمان را به هر طریقی است آباد کند و در این راه از هیچ‌گونه اصراری روگردان نیست. او بسیار باهوش است و در راه خدمت به شاه و میهن شایستگی نشان می‌دهد.^{۲۸}

۱۸۱. دکتر محمدحسین اسدی، نماینده درگزار حزب مردم

بی‌حرف‌ترین و گوشه‌نشین‌ترین پزشکان مجلس است. تاکنون نطقی از وی شنیده نشده بسیار نجیب است. اغلب در گوشه سرسرا نشسته است و به انتظار رسیدن موقع بین‌المجالس به سر می‌برد تا در آن شرکت نماید. گاهی هم در کمیسیون بهداری چند کلمه‌ای به قدر اظهار وجود می‌گوید و بیش از این واکنشی از خود نشان نمی‌دهد.^{۲۹}

۲۷. نماینده دو دوره بیست و یکم و بیست و دوم از داراب.

۲۸. نماینده سه دوره بیست و یکم و بیست و چهارم از کرمان و بیست و دوم از سیرجان

۲۹. نماینده پنج دوره مجلس، دوره نوزدهم تا بیست و سوم از درگزار.

۱۹۱. دکتر محمدحسین اعتمادی، وکیل قائن، حوزه‌ای پارلمانی از فر اکیون

ایران نوین

معاون اسبق وزارت بهداری، بسیار باهوش، کم حرف و یکی از کارشناسان بزرگ کشور در امور مربوط به بهداری است. او بهتر از همه تشکیلات وزارت بهداری، معایب و نواقص بهداستی و درمانی و راه‌اصلاح آن را می‌شناسد. تاکنون رئیس کمیسیون بهداری بوده و در حکم و اصلاح لوایح یا پیشنهادات اصلاحی ید طولایی دارد. از دوستان علم به شمار است و [در] مدت طولانی معاونت در وزارت بهداری، تسلط کاملی به آن دستگاه داشته است. برای بهبودی وضع حوزه انتخابیه خود، به خصوص بهبود اقتصادی، کوشش می‌کند. مرد لایق و مدیری است ولی گوشه‌گیر بوده اهل تظاهر نیست.^{۳۰}

۲۰. سیدابوالفضل اقبالی ماکویی، آستارا و نمین، منفرد

سابقاً کارمند عالی‌رتبه ثبت بوده و سابقه نمایندگی هم دارد. در مبارزات با متجاسرین آذربایجان خود و خانواده‌اش دارای سوابق و فداکاری هستند. مرد نیک‌نفسی است. با هر پیشنهاد اصلاحی و هرگونه طرحی که برای بهبود وضع کارمندان داده شود موافق است | و حمایت می‌کند. نمایندگان آذربایجان برای او احترام خاصی قائل هستند و از نظر مجلس قابل احترام شمرده می‌شود.^{۳۱}

۲۱. مهندس بهمن آراسته

از صاحب‌منصبان ارشد وزارت کشاورزی و بنگاه آبیاری بوده در مسائل مربوط به اصلاحات ارضی صاحب‌نظر است. بین نمایندگان اصلاحات ارضی جنبه مرشدی دارد و نظریات او برای آنان با ارزش است. اغلب اختلافات نظری و عقیده‌ای را با کدخدانمنشی حل می‌کند و در کمیسیون کشاورزی و آب‌وبرق پیشنهادات اصلاحی قابل توجهی طرح می‌نماید. برای حوزه انتخابیه خود نیز دلسوز و در راه بهبودی آن کوشاست.^{۳۲}

۲۲. ویلهلم ابراهیمی، نماینده آشوریها و کلدانیهها

مرد بی‌صدا و نجیبی است. میهن‌پرست است. اهل تظاهر نیست. در مسافرتی که به دعوت آشوریها به آمریکا کرد، همه جا در تفسیر لوایح انقلابی شاهنشاه سخنرانی کرده و چند نطق جالب وی در روزنامه‌ها درج شده است. نسبت به حقی که به امر شاهنشاه به

۳۰. نماینده پنج دوره مجلس از دوره بیستم تا بیست و چهارم از قائن. ۳۱. وی نماینده تنها یک دوره است.

۳۲. وی تنها نماینده دوره بیست و یکم از حوزه انتخابیه شازند بود.

این طایفه رسیده است سپاسگزار است.^{۳۳}

۲۳. ابوالحسن احتشامی

اغلب در سرسرا مشغول قلیان کشیدن است. روزنامه‌نویس و منتقد است. پشت تریبون قدری تند می‌راند و انتقادات او مستدل است. خیلی به وجهه سیاسی خود اهمیت می‌دهد. روزنامه‌نگاران او را قبول دارند. قبلاً عضو حزب ایران نوین بود ولی گویا آنجا را محل خوبی برای جولان ندید و به حزب مردم رفت. با سعید وزیری دوستی بسیار نزدیک دارد.^{۳۴}

۲۴. زین‌العابدین ارسنجانی

یک کشاورز و خرده مالک به تمام معنی است. در کار کشاورزی عملی سررشته دارد. آدم زحمتکش و قانعی است. اغلب از مأمورین دولتی حوزه خود شکایت دارد و انتقادات او هم صحیح است. در برگزاری مراسم ملی و شعائر میهنی تعصب نشان می‌دهد. از نظر خصائص اخلاقی وجه تشابهی با برادرش ندارد. در امر احیای زمین و ایجاد باغات و مسائل مربوط به کشاورزی صاحب عقیده است. و به عکس تصور بعضی، وضع مادی خوبی هم ندارد.^{۳۵}

۲۵. دکتر مصطفی الموتی

مرد خوش قلبی است. روزنامه‌نگار و منتقد است و گاهی نطقهای پرهیجان و توخالی ایراد می‌کند. با آنکه دکتر حقوق است ولی سواد چندانی ندارد. وابسته کامل به آقای دکتر اقبال است و از حقوق صنفی روزنامه‌نگاران دفاع می‌کند. برای بهبود حوزه خود نیز تلاش می‌کند و اغلب برای رسیدگی به حوزه و رفع حوائج آنان به وزرا ایراد می‌گیرد. باهوش است و برای منشیگری مجلس و تهیه نطق برای رئیس و نگاهداشتن حساب نمایندگان شایستگی دارد.^{۳۶}

۲۶. حبیب‌الله امام مردوخ

روحانی شاداب و اهل حالی است. یکی دو مرتبه سخنرانیهای بی‌سروته ایراد کرده

۳۳. وی نیز تنها یک بار به نمایندگی مجلس انتخاب شد.

۳۴. ابوالحسن احتشامی یک بار دیگر در شماره ۱۳ معرفی شده بود.

۳۵. نماینده دوره‌های بیست و یکم و بیست و دوم از کرج.

۳۶. نماینده دوره‌های بیستم تا بیست و چهارم از رودبار الموت.

است. در خواندن اشعار سعدی آن هم به شکل غلط اصرار دارد. از شوخیهای قدری زنده بدش نمی‌آید و اغلب با دوستانش به صرف قلیان و مطایبات می‌گذرانند.^{۳۷}

[۲۷] دکتر شفیع امین، رئیس دانشگاه سابق تبریز و نایب رئیس مجلس زبانش می‌گیرد و نطقهای او معروف است. اغلب یک کلمه از حرفهایش مفهوم نیست و باید نطق او را در صورت مذاکرات خوانند. با این همه، اصراری به اظهار عقیده و نطق کردن دارد و در مسائل پزشکی عقایدی سطحی ابراز می‌دارد. در نظر بعضی بسیار ساده است و بعضی این سادگی را به تظاهر و زیرکی تعبیر می‌کنند. بین آذربایجانیها احترامی دارد و او را به ارشدیت قبول دارند؛ ولی شخصیتی ندارد و اداره کردن مجلس هم توسط او اغلب باعث شوخی و خنده نمایندگان است. با این همه، آدم نجیبی است و خیلی به خدمت مردم علاقه دارد.^{۳۸}

[۲۸] مهندس اسماعیل انصاری مدیرکل سابق کشاورزی خوزستان بوده است. مرد مطلعی است. به خصوص در مسائل کشاورزی و آبیاری خوزستان صاحب اطلاع و عقیده است. روشن فکر می‌کند و مهندسین کشاورزی نظریات وی را قبول دارند. آدم وارسته‌ای است و از نمایندگان خوب خوزستان است و اغلب فعالیت حوزه‌ای او منحصر به شوش و اندیمشک نیست بلکه برای خوزستان تلاش می‌کند.^{۳۹}

[۲۹] عزت‌الله اوزار مرد سنگینی است و به عکس رفیق و همکارش آقای روستا، هیچ وقت عصبانی نمی‌شود. مسائل را خوب درک می‌کند و سر به راه است. مرد مدار بوده و نسبت به مراجعینش با روی خوش مساعدت می‌نماید و اغلب با کارهای صنفی و مساعدت به آنان مشغول است و در میان اصناف تهران وجهه خوبی دارد.^{۴۰}

[۳۰] امان‌الله اولیاء، نماینده بم از نمایندگان منتخب کشاورزان است. تحصیلات او کم است ولی بسیار باهوش و با

۳۷. نماینده دوره‌های بیستم تا بیست و سوم از پاوه.

۳۸. نماینده دوره‌های بیست و یکم تا بیست و سوم از تبریز.

۳۹. وی فقط در همین دوره به نمایندگی رسید.

۴۰. وی نیز تنها در همین دوره به نمایندگی رسید.

استعداد می‌باشد. به مسائل مبتلا به کشاورزی و اقتصادی حوزه خود بسیار واردست و اغلب پیشنهادهائی برای بهبود وضع منطقه خود تسلیم می‌دارد. برای بم تاکنون کارهایی انجام داده است.^{۴۱}

۳۱۱. کریم اهری

مدیرکل سابق قندوشکر. از رؤسای قدیمی وزارت دارایی است ولی هوش و سواد چندانی ندارد. آدم متعارفی است. در دارایی دوستانی هم دارد. نمایندگان آذربایجان به وی علاقه‌مند هستند و گرچه در کمیسیون دارایی و بودجه عضو است ولی هیچ‌وقت اظهار عقیده جالبی از او دیده نشده است.^{۴۲}

۳۲۱. امیر نصرت‌الله بالاخانلو، نماینده همدان

برادر آقای رامید و شهردار سابق همدان است. گویا پرونده‌ای هم در مورد کار شهرداری دارد که به عقیده خودش ساختگی است. در انتقاد قدری تند و دارای کلماتی تلخ است. اوایل کار مرتب در نطقهای اکثریت شعار مخالف می‌داد و برای انجام کارهای همدان همیشه دولت‌ها را تهدید می‌کرد؛ و به این وسیله خدماتی هم برای همدان انجام داد. و بالاخره، با همه انتقادات، به حزب ایران نوین رفت ولی گویا در آنجا آبی برای شنا ندیده و چندان از وضع خود راضی نیست. روی هم رفته مزاج درستی ندارد.^{۴۳}

۳۳۱. عبدالحمید بختیاربختیارها

ورزشکار و موقر است. در مجلس تظاهری نکرده است ولی در خوزستان به کار تولیدی کشاورزی بزرگی دست زده است که شایسته تقدیر است و مزرعه کشاورزی مکانیزه وی از حیث وسعت شاید در کشور بی‌نظیر باشد و در این راه زحمت فراوان کشیده و تأسیسات بزرگی برای کشت گندم به وجود آورده. و فعلاً هم، در مورد قانون انحلال خالصجات مورد تهدید قرار گرفته است.^{۴۴}

۳۴۱. مهندس علی برومند

عضو هیئت مدیره خالصجات بوده. از قوانین و مسائل مربوطه به خالصجات اطلاع

۴۱. نماینده بم در دوره‌های بیست و یکم تا بیست و سوم.

۴۲. نماینده کنیر در دوره‌های بیست تا بیست و سوم.

۴۳. وی تنها در همین دوره به نمایندگی انتخاب شد.

۴۴. نماینده دوره بیست و یکم و بیست و دوم از اردل.

کافی دارد و در مسائل مربوط به اصلاحات ارضی صاحب نظر است. مرد با استعداد شایسته‌ای است و گاهی در حکم و اصلاح موارد قانون از خود استعداد کافی بروز می‌دهد و ماده یا تبصره‌ای را که پیشنهاد می‌کند آنقدر پخته و کامل است که دیگر قابل حکم و اصلاح نیست. فعلاً رئیس کمیسیون کشاورزی است و نظریات او برای مهندسين کشاورزی در مجلس مورد استقبال و قابل پیروی است.^{۴۵}

۳۵ | مهندس پرویز بهبودی

از پیش کسوتان اصلاحات ارضی بوده، مرد بسیار شریفی است. گاهی عقایدی در امر کشاورزی و اصلاحات ارضی بروز می‌دهد ولی اغلب گوشه‌گیر و بی‌صداست.^{۴۶}

۳۶ | مهندس ناصر بهبودی

سخنگوی فراکسیون مردم است. خیلی به انتقاد صریح و تند علاقه دارد و اغلب فی‌المجلس انتقاد می‌کند و بدیهی است گاهی هم اشتباهاتی رخ می‌نماید و چون خیلی سریع و پرحرارت حرف می‌زند ممکن است اگر قبلاً چیزی را تهیه نکرده باشد اشتباهات غیرقابل برگشتی هم بکند. بیشتر به امور مقاطعه کاری مشغول است و با آنکه شدیداً به هوش و زرنگی تظاهر می‌کند مع‌هذا در نمایندگان وجهه‌ای ندارد و بیشتر به او به چشم یک مقاطعه کار نگاه می‌کنند. به نظر می‌رسد قدری جاه‌طلب و دارای حس خودخواهی است.^{۴۷}

۳۷ | رسول پرویزی

نویسنده معروف و عضو هیئت مدیره شرکت تلفن بوده. در این مجلس فقط یک مرتبه نطق کرده. اغلب یا غایب است یا در سرسرا مشغول صحبت کردن و چای و قلیان. نسبت به فارس و دشتستان و آزادگان آنجا تعصبی دارد. خوش ذوق است ولی محیط مجلس برای او چندان جذاب نیست.^{۴۸}

۳۸ | سید فضل‌الله پروین

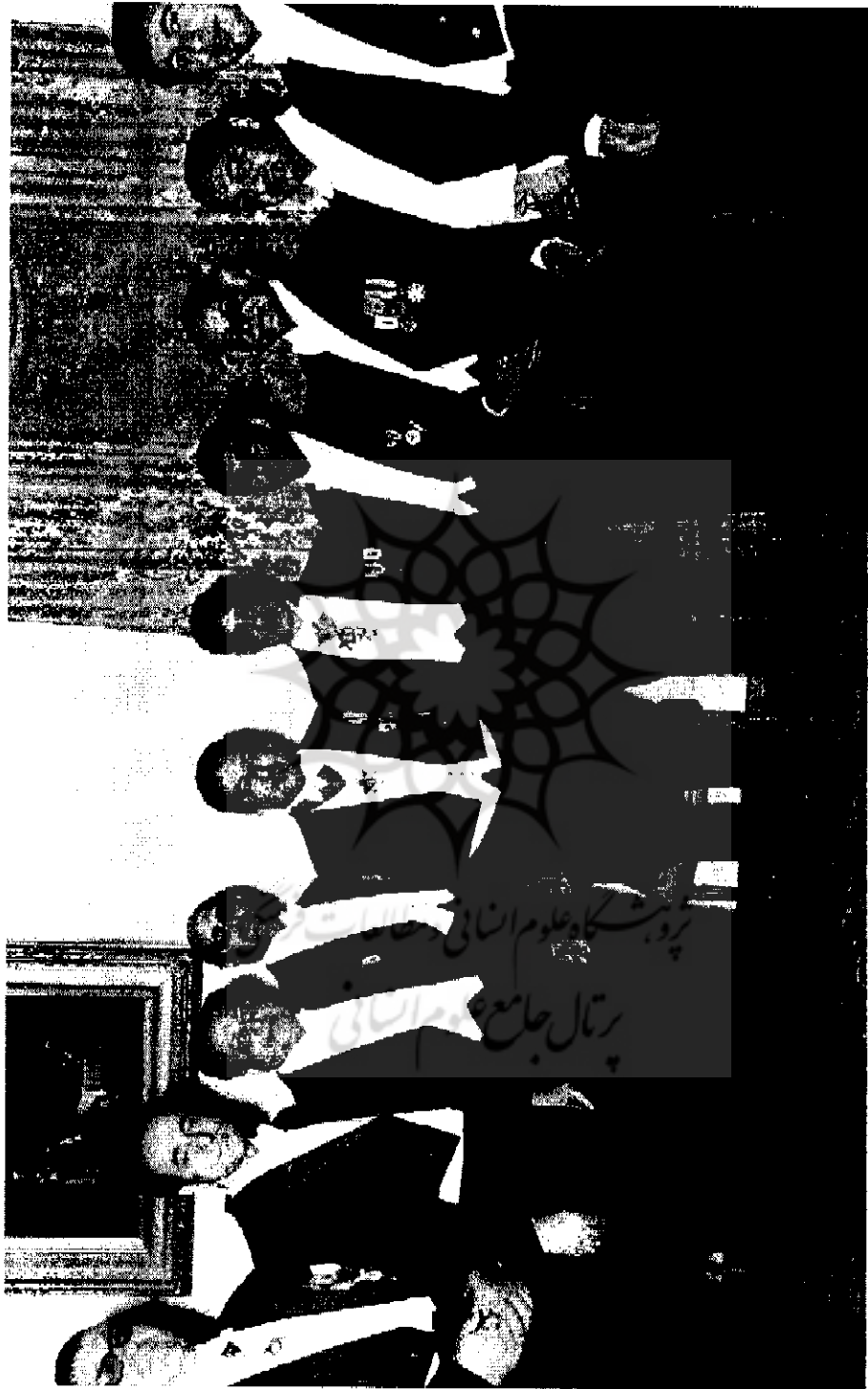
دو دوره وکیل بوده. مرد بسیار نجیب و خوش قلبی است. بذله‌گو و نکته‌سنج است.

۴۵. نماینده اسداباد در دوره‌های بیست و یکم تا بیست و سوم.

۴۶. نماینده دوره‌های بیست و یکم و بیست و دوم از میانه.

۴۷. نماینده ساوه و زرند در دوره‌های نوزدهم تا بیست و دوم.

۴۸. نماینده دشتستان در دوره‌های بیست و یکم تا بیست و سوم.



عده‌ای از نمایندگان دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی: از راست: نقر چهارم عباس میرزایی، جواد سعید، اسماعیل معینی‌زاد، مجید محسنی، جیدر صائمی | ۲۸۰۲-۱-پ

همیشه انتقادات خود را در لفافه شوخی و بذله بیان می‌کند و نطقهای او مشتری فراوان دارد و گفته‌هایش مورد علاقه نمایندگان است. با آنکه اوائل منفرد بود بعداً به حزب ایران نوین پیوست. ولی انتقادات توأم با شوخی وی ادامه دارد. از اراک مراجعین بسیار دارد ولی با خونسردی برای همه آنان توصیه می‌کند و آنها را راضی نگه می‌دارد. روی هم رفته از قیافه‌های خوب مجلس در این دوره است.^{۴۹}

۱۳۹ | خانم تربیت

به علت رماتیسم مفصلی بالا رفتن از پله‌ها برایش بسیار مشکل است و همیشه باید توسط یکی دو نفر کمک به جلسه بیاید. سنش قطعاً از هفتاد بیشتر است ولی هنوز خیلی محکم حرف می‌زند و در طرفداری دولت تعصب بسیار دارد و در نطق مخالفین دولت شعارهای بلندی می‌دهد که موجب خنده نمایندگان است. از خدمتگزاران قدیمی فرهنگ و مورد احترام همه است.^{۵۰}

۱۴۰ | آقای هاشم جاوید

وکیل دادگستری از شیراز، بهترین ناطق مجلس در دوره بیست و یکم است. نطقهای او بسیار شیوا و عبارات و کلمات کاملاً مسجع و با وزن است؛ مثل اینکه از روی گلستان می‌خواند و آنقدر در انتقاد استعاره و کنایه به کار می‌برد که نطق وی بیشتر به یک قطعه ادبی شباهت دارد. او همیشه با نطق خود اکثریت و اقلیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او یک میهن‌پرست و مردم‌دوست واقعی است و بهتر از همه می‌تواند شخصیت شاهنشاه را تعریف و توصیف نماید.^{۵۱}

۱۴۱ | دکتر مجتبی جعفری

معاون سابق ثبت کل، تحصیلات خوب دارد و در امور قضایی و لویج دادگستری بصیرت دارد. قدری عصبانی است ولی جوان خوش‌نیت و مردم‌دوستی است؛ گاهی ممکن است به علت عصبانیت ایجاد رنجش کند ولی پیشنهادات او اغلب صادقانه و نسبت به حفظ حیثیت دستگاه قضایی متعصب است و مایل است که در کارها تسریع شود.^{۵۲}

۴۹. وی تنها در همین دوره به نمایندگی انتخاب شد.

۵۰. خانم هاجر تربیت نماینده تبریز در دوره‌های بیست و یکم و بیست و دوم.

۵۱. وی تنها در همین دوره به نمایندگی انتخاب شد.

۵۲. نماینده دوره‌های بیست و یکم و بیست و چهارم از گلپایگان.

۴۲. بانو شوکت ملک جهانبانی

خانم بسیار عاقل و پخته و افکار او سنجیده است. در امر آموزش و پرورش بصیرت کافی دارد و با آن که تحصیلات او زیاد نیست ولی عمیق و باتجربه است. نظریات وی در حکم و اصلاح لوایح آموزش و پرورش و رفع نواقص آن اثر کلی دارد.^{۵۳}

۴۳. حاج ابوالفضل حاذقی

از نمایندگان پرسابقه و قدیمی است. مردی به تمام معنی متدین و خوش نیت و مسلمان واقعی است. عضو جمعیت تسلیح اخلاقی و دائم در حال امر به معروف و نهی از منکر است. همیشه تابع حقیقت است و برای او مسئله تبعیت از سیاست حزبی اگر خلاف واقع و حقیقت باشد مفهوم ندارد. آرشو مرتبی دارد که به همه نامه‌ها جواب می‌دهد و با وزارتخانه‌ها مکاتبه می‌کند و برای مردم حوزه خود تکیه‌گاهی است و شدیداً در انجام خواسته‌های آنها کوشش می‌کند.^{۵۴}

۴۴. امامعلی حبیبی

مردی با ایمان، راستگو و درکسوت پهلوانی است. در اغلب لوایح، به خصوص لوایح کشاورزی و فرهنگی، اظهار عقیده می‌کند. با آنکه معلوماتی ندارد ولی زبان وی زبان عامه مردم است و عقاید ساده و بی‌پیرایه‌ای دارد و اگر مسئله‌ای به نظرش درست نباشد اگرچه از حزب باشد انتقاد می‌کند. اغلب میان صحبت نمایندگان شعار می‌دهد و گاهی این کار را با صدای بلند انجام می‌دهد. بدیهی است ناطقین نیز از مباحثه با وی قدری احتیاط می‌کنند. اغلب به حمایت مظلومین به دستگاهها توصیه می‌نماید و توصیه‌هایش هم مورد اجابت است.^{۵۵}

۴۵. دکتر سرهنگ سیدحسین حسینی

مرد شاهدوست و میهن پرستی است. گاهی انتقادات تندی دارد ولی خودش آدم ملایمی است و بعداً از انتقاد خود پشیمان می‌شود. در مسائل حقوقی اظهار نظر می‌کند و نظریاتش مورد توجه است. در کار اصلاحات ارضی از بعضی مالکین حمایت کرده بود ولی این کار از روی نظر نبوده است و روی هم رفته مرد قابلی است.^{۵۶}

۵۳. نماینده تهران در دوره‌های بیست و یکم تا بیست و چهارم.

۵۴. نماینده جهرم در دوره‌های چهاردهم تا شانزدهم و بیست و یکم.

۵۵. وی تنها در همین دوره به نمایندگی بابل انتخاب شد.

۵۶. وی تنها در همین دوره به نمایندگی شهر کرد انتخاب شد.

[۴۶] دکتر سعید حکمت

اغلب در جلسه حضور می‌یابد ولی کمتر در مباحثات شرکت می‌کند. رئیس قدیم پزشکی قانونی بوده و در این راه خدمات شایسته‌ای انجام داده است. در قوانین مربوط به امور پزشکی صاحب‌نظر و صاحب عقیده است و در مجامع بین‌المللی پزشکی شرکت می‌کند و در آنجا ابراز شخصیت می‌نماید.^{۵۷}

[۴۷] محمد دیهم

سابقه کار وکالت مجلس دارد. خود را از مجاهدین راه آزادی آذربایجان می‌داند. پیرمرد و پیشکسوت آذربایجانیهاست. اوائل مجلس گاهی نطقهایی در وطن‌پرستی و شاهدوستی ایراد می‌کرد و ضمناً انتقاداتی هم می‌نمود ولی اواخر به کار روزنامه‌نویسی و کارگشایی موکلین در وزارتخانه‌ها مشغول است. اهل شعر و ادب است و در میان نمایندگان مورد احترام است.^{۵۸}

[۴۸] بانو مهرانگیز دولتشاهی

تحصیلات عالیّه دارد. قدری عصبانی است و زودرنج ولی نسبت به کارهای حوزه انتخابیه خود حساس است. جاه‌طلب است و اگر در واگذاری پستی که مورد علاقه او در مجلس است از طرف حزب کوتاهی شود به سختی آزرده می‌شود ولی مع‌هذا هرگز مخالفتی بروز نمی‌دهد. خوب نطق می‌کند و سخنانش مستدل و تاحدی علمی است.^{۵۹}

[۴۹] هلاک‌ور امید، لیدر فراکسیون حزب مردم

بسیار مؤدب و خوش بیان است. تحصیلات کلاسیک ندارد ولی مایل است که بیاناتش جنبه علمی و ادبی داشته باشد. خیلی خوب انتقاد می‌کند ولی گاهی در انتقاد زیاده‌روی می‌نماید؛ نقطه ضعف حریف را خوب پیدا می‌کند ولی آنقدر به آن نقطه فشار می‌آورد تا وضع را به هم بریزد. از نظر اکثریت دارای دو عیب است: کمی معلومات و زیادی ثروت و تجمل؛ و از نظر اقلیت دارای دو حسن است: انتقاد بجا و تواضع.^{۶۰}

۵۷. نماینده دوره‌های هجدهم تا بیست‌وسوم از اهر و ارسباران.

۵۸. نماینده دوره‌های نوزدهم تا بیست‌وسوم از تبریز.

۵۹. نماینده سه دوره بیست‌ویکم تا بیست‌وسوم از کرمانشاه.

۶۰. نماینده شش دوره نوزدهم تا بیست‌وچهارم از طالش و گرگانرود.

| ۵۰ | دکتر محمد علی رشتی، نماینده یزد

دارای درجه دکترای حقوق بین‌الملل از آمریکا می‌باشد. با آنکه سالها در آمریکا بوده کیفیت یزدی بودن خود را از دست نداده. تحصیلات حقوقی وی بسیار عالی است. او یکی از چند نفر حقوقدان استاد و انگشت‌شمار مملکت است که در حقوق سیاسی بین‌الملل تبحر فراوان دارد. در زبان انگلیسی تسلط کامل دارد و اغلب نطقها یا ترجمه‌های مربوط به مجلس را او تهیه یا تصحیح می‌نماید. چند سال از زندگی خود را در سازمان ملل و با تماس با نمایندگان مختلف جهانی گذرانیده و به سیاستهای جهانی کاملاً آشنایی دارد. دبیرین‌المجالس ایران است. او در اجلاس بین‌المجالس در سمت دبیری زحمت بسیار کشید و به خوبی آن را برگزار کرد. اغلب نطقهای مربوط به سیاست جهانی توسط وی ایراد می‌شود، و در همه حال، به بزرگداشت ایران در مجامع و نطقهای خود اهمیت فراوان می‌دهد. در حزب ایران نوین نیز مورد احترام و قبول است و به طور کلی او یک کارشناس سیاست بین‌المللی است و تقریباً همه جهان را دیده است. به سیاست محلی یزد آشنایی ندارد و با مردم چندان مانوس نیست ولی تاکنون کسی نتوانسته است به وی ایراد اساسی بگیرد.^{۶۱}

| ۵۱ | آقای حاج علی رجایی، نماینده شیراز

از معتمدین شیراز و پیرمرد روشنفکری است. معلوماتی ندارد ولی در امور اجتماعی که بر اثر سالها تجربه به دست آمده صاحب‌نظر و عقیده است. در اصلاح لوایح مالیاتی و اقتصادی نظریات جالبی که مبتنی بر تجربه است ابراز می‌دارد که مورد قبول واقع می‌شود و وجود امثال او برای احتراز از خطبهای نمایندگان جوان با ارزش است.^{۶۲}

| ۵۲ | دکتر محمد رضوانی، نماینده کاشان

دکتر در حقوق اقتصاد، کم حرف و در کمیسیون اقتصاد بیشتر اظهارنظر می‌کند. به حوزه انتخابیه خود علاقه دارد و هرچندگاه سری به آنجا می‌زند و در مراسم افتتاح مدرسه یا کارخانه نطقی ایراد می‌کند. دارای رقیبان انتخاباتی قوی [ای] است ولی او با هیچ‌کس مخالفتی ندارد.^{۶۳}

۶۱. نماینده یزد در سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم.

۶۲. وی نهادر همین دوره به نمایندگی مجلس انتخاب شد.

۶۳. نماینده دوره بیست و یکم و بیست و دوم از کاشان و نظیر و دوره بیست و چهارم از قم.

[۵۳] آقای محمود روحانی، نماینده فردوس

از کارمندان با سابقه وزارت کشور است| و به همه کارهای آن وزارتخانه آشنایی کامل دارد. اغلب رئیس کمیسیون کشور است و در حکم و اصلاح و پیشنهاد در مورد لوایح وزارت کشور و شهرداریها ید طولایی دارد. نظریات وی اغلب منطقی است. برای بهبود حوزه خود، که در قلب کویر جا دارد، و برای راه و بهبود وضع اقتصادی آنجا کوشش می‌کند. آدم منطقی و خوش‌نیتی است.^{۶۴}

[۵۴] دکتر محمدحسن رهنوردی، نماینده ساری

قدری جوان و از خود راضی است. باآنکه عضو حزب ایران نوین است قبلاً گاهی با نمایندگان دولت پنجه می‌گرفت و انتقادات تند داشت که گاهی باعث رنجش می‌شد و گاهی روی عقاید نسنجیده خود پافشاری می‌نماید. در کمیسیون بهداشت اغلب نظریاتی دارد که قبول نمی‌شود و موجب قهر وی می‌شود. از این که او را قهرمان بنامند خوشش نمی‌آید. خوش قلب و میهن‌پرست و شاهدوست است و تصور می‌کند که این صفات را بیش از همه دارد.^{۶۵}

[۵۵] آقای حسام‌الدین رضوی، نماینده آبادان

رئیس سابق کار آبادان، اهل شیرازست. تلاش وی برای بهبود وضع آبادان اصلی به جایی نرسیده است. و سعی فراوان دارد که با فرقه‌های مختلف که در آبادان هستند برخورد نکند ولی آنجا همیشه شهر شلوغی است و نمی‌داند اصلاحات را از کجا شروع کند. به مجامع شبانه و شب‌نشینی علاقه دارد. در امور کارگری ادعای تخصص دارد ولی تاکنون طرحی یا عقیده‌ای که جالب باشد از وی دیده نشده.^{۶۶}

[۵۶] دکتر حنیفه رضائی، نماینده بندرپهلوی

اغلب درگوشی با نمایندگان صحبت می‌کند و اکثر مطالب مهمی دارد که بعداً معلوم می‌شود خیالی بوده. به دلالتی معاملات علاقه نشان می‌دهد ولی مثل این که تاکنون توفیق نیافته است. زبان روسی می‌داند و گاهی در سرسرای مجلس انتقاداتی هم می‌کند ولی در جلسه علنی حرفی نمی‌زند. گویا در محل وجهه چندانی ندارد.^{۶۷}

۶۴. نماینده دو دوره بیست و یکم و بیست و دوم.

۶۵. نماینده سه دوره بیست و یکم ساری و بیست و دوم و بیست و سوم تهران.

۶۶. نماینده دوره بیست و یکم از آبادان و بیست و دوم و بیست و سوم از شیراز.

۶۷. وی تنها در همین دوره به نمایندگی انتخاب شد.

| ۵۷ | زهتاب فرد

روزنامه‌نویس، باشهامت به تمام معنی شاهدوست و میهن‌پرست افراطی. به علت مبارزه با متجاسرین آذربایجان در سنین کم وضعی برای خود قائل است. انتقادات او بی‌پروا و بی‌پرده است. با مرحوم منصور سخت مبارزه می‌کرد و در انتقاد از وی راه افراط پیمود و چندین مرتبه مجلس را متشنج کرد. مع‌هذا برای نمایندگان فیافه موجهی است. به آذربایجان عشق می‌ورزد و بسیار فقیر و نظربلند است. آذربایجانیها به وی علاقه دارند و در همه جا از او به خوبی یاد می‌کنند و از شجاعت وی اظهار رضایت می‌نمایند.^{۶۸}

| ۵۸ | دکتر حسین سامی راد

رئیس سابق دانشگاه مشهد، دارای تحصیلات عالی در فرانسه، طب داخلی، و از اساتید شایسته است. بسیار متشخص و متین است. در کمیسیونهای آموزش و پرورش و بهداری عقاید قابل استفاده‌ای ابراز می‌دارد که منجر به حک و اصلاح لوایح می‌شود؛ ولی اصولاً قدری کناره‌گیر است مثل اینکه نیابت ریاست مجلس را اقبالاً متوقع بوده است ولی هرگز اظهار تمایل نکرده و گله‌ای هم در این مورد ننموده است. برای نمایندگان بسیار قابل احترام است.^{۶۹}

| ۵۹ | مهندس علیرضا ریاحی، نماینده برخوار

جوان است، با طراوت، درس هم خوانده است. در مسائل مربوط به چاه و قنات بهترین کارشناس مجلس است و در لوایح مربوطه حک و اصلاح فراوان می‌کند و گاهی در یک قانون برای هر ماده یک پیشنهاد می‌دهد که واقعاً بعضی از آنها کاملاً صادق است. طرحی که برای کنترل مقدار بهره‌برداری از آب چاههای نیمه عمیق دارد بسیار جالب بود و هنوز با وزارت آب و برق در مورد نقض قانون کنترل آبهای زیرزمینی کشمکش دارد و همه کارشناسان عقاید وی را قبول دارند.^{۷۰}

| ۶۰ | امان‌الله ریگی

بسیار پرتوقع و جاه‌طلب و بیش از خوداست. به حوزه انتخابیه خود علاقه بسیار دارد و برای رفع مشکلات آن اغلب تلاش می‌کند و در مسائل نفتی اظهار عقیده می‌کند و گاهی در سیاست خارجی عقایدی ابراز می‌دارد. نطق وی راجع به گلدواتر و اظهار

۶۸. رحیم زهتاب‌فرد، نماینده دو دوره بیست و یکم تبریز و بیست و سوم بناب.

۶۹. وی تنها در همین دوره به نمایندگی انتخاب شد.

۷۰. نماینده دوره بیست و یکم از برخوار و بیست و دوم شهرکرد.

عقیده در انتخابات آمریکا مدتی نقل محفل نمایندگان و مورد سرزنش و انتقاد بود. فعلاً روزنامه ندای زاهدان را نیز منتشر می‌نماید.^{۷۱}

۶۱ | دکتر جواد سعید

پزشک و از صاحب‌نظران در امور پزشکی و قوانین استخدامی آنان و همچنین لوایح مربوط به بهداشت بوده. مردی جدی و علاقه‌مند و مورد قبول پزشکان مجلس است.^{۷۲}

۶۲ | سعید وزیری

روزنامه‌نویس و نویسنده، بسیار باهوش، دارای سوابق قدری گنگ ولی فعلاً کاملاً مجذوب وضع حاضر و مبلغ پیشرفتهای موجود است. مسائل را بسیار خوب درک می‌کند و استدلال می‌نماید و توضیح می‌دهد. مایل بود فراکسیونی در مجلس تشکیل دهد که به طرح بعضی قوانین مورد علاقه مردم بپردازد ولی این کار سرنگرفت. در محل دچار مخالفینی قوی است ولی او هم روحیه قوی دارد و مطمئن است که بالاخره با عنایت شاهنشاه آریامهر برآنان غلبه خواهد کرد.^{۷۳}

۶۳ | جهانگیر سرتیپ‌پور

شهردار سابق رشت و از مجاهدین قدیمی رشت برضد بالشویک بوده است. ناطق خوبی است. مورد احترام مجلس است و اغلب نطقهای کدخداننشانه او مورد تصویب اقلیت و اکثریت می‌باشد. مرد با تجربه‌ای است و مسائل را به خوبی تجزیه و تحلیل، و راهنمایی می‌کند. در تاریخ و فلسفه مطالعاتی دارد و چون موی سپید دارد مصلح و صلاح‌اندیش دولت و مجلس است و دولت و مجلس برای او احترام زیادی قائل هستند. در این مدت عمر مجلس همیشه رئیس کمیسیون عرایض مجلس بوده و خود و اعضای کمیسیونش به بیش از بیست‌هزار شکایت رسیدگی و پاسخ داده و با تشکیل کمیسیون نمایندگان دولت احقاق حق یا رفع تبعیض یا رفع ظلم نموده است و از این راه آبروی زیادی برای مجلس بیست و یکم کسب نموده است. در رشت نیز مورد احترام و مقبول عامه است.^{۷۴}

۷۱. نماینده چهار دوره بیستم تا بیست‌وسوم از زاهدان.

۷۲. نماینده چهار دوره بیست و یکم تا بیست و چهارم از ساری. در آخرین دوره به جای عبدالله ریاضی به ریاست مجلس انتخاب شد.

۷۳. منوچهر سعید وزیری نماینده سه دوره بیست و یکم تا بیست‌وسوم از اهر.

۷۴. نماینده دوره بیست و یکم و بیست و دوم از رشت.



از راست: حسن خطیبی و عبدالله ریاضی | ۳۱۱-۹۲۴ر|

۶۴. سید مهدی شیخ‌الاسلامی، نماینده سندج

قاضی دادگستری بوده در ایراد به لوایح و حکم و اصلاح آنها، به خصوص از نظر قضایی، ید طولایی دارد با صادق احمدی دوست و همکار نزدیک بود و دو نفری جبهه واحدی بر علیه اکثریت داشتند؛ و بالاخره هم به اکثریت پیوستند و عضو حزب ایران نوین شدند. برادر شیخ‌الاسلام رئیس سابق دانشگاه ملی است.^{۷۵}

۶۵. مهندس حسن صائبی، نماینده ملایر

از صاحب‌منصبان قدیمی وزارت کشاورزی است. در امر جنگلبانی و احداث جنگل مطالعات زیادی دارد و در آمریکا و شوروی مطالعه کرده، صاحب تألیفاتی است. زود اظهار عقیده می‌کند. نمایندگان اصلاحات ارضی با او نظر خوبی ندارند. مرد مسلمانی است. ولی قدری کج‌سلیقه است. چند سال است منشی مجلس است ولی اخیراً بسیار گوشه‌نشین شده. بی‌غرض است ولی قدری خشکی به خرج می‌دهد. این است که رفقای ندارد.^{۷۶}

۷۵. نماینده چهار دوره بیست و یکم تا بیست و چهارم از سندج.

۷۶. نماینده چهار دوره بیست و یکم تا بیست و چهارم از ملایر.

[۶۶] حسین شفیعی پورکرمانی، نماینده رفسنجان

معروف به فسنجان، سوژه سه سال کاریکاتورهای روزنامه توفیق. قبلاً خورده‌مالک و آموزگار هم بوده مردی روشنفکر و خوش‌نیت و انسان است و، به عکس آنچه در روزنامه توفیق منعکس می‌شود، آدم باهوش و فهمیده‌ای است و برای منطقه خود نیز دلسوزی لازم را دارا می‌باشد.^{۷۷}

[۶۷] حسین شکیبا، نماینده تبریز

معاون مدیرعامل شیروخورشید سرخ، آدم نجیب و سربراهی است. اغلب با نمایندگان در تماس است که حوائج حوزه آنها را از نظر شیروخورشید تا حد امکان مرتفع نماید. در میان نمایندگان آذربایجان مورد قبول است.^{۷۸}

[۶۸] حیدر صائبی، نماینده تهران

کارگری است فهمیده، با استعداد؛ و به امورکارگری و اصلاح وضع بیمه علاقه‌مند است. طرح بیمه کارگران را از منظر سل و سرطان تقدیم مجلس کرد. در تصویب آن حرارت به خرج داد. روی هم رفته نماینده قابلی برای کارگران است. قدری زبان انگلیسی می‌داند و چندی در آمریکا بوده است.^{۷۹}

[۶۹] دکتر تقی صاحب‌قلم، نماینده ارومیه

سابقاً استاندار و از اعضای با سابقه وزارت کشور است. مراجعین زیادی دارد. مردم‌دوست است و برای حل مشکلات موکلین خود کوشش به خرج می‌دهد. همیشه موافق دولت است، مدتی هم رئیس کمیسیون کشور بود و اواخر قدری از حزب ایران نوین که عضو آن است رنجیده بود؛ او را آن طور که مقامش بود به بازی نگرفته بودند.^{۸۰}

[۷۰] علی اکبر صفی‌پور، نماینده نهاوند

روزنامه‌نویس است و مدیر مجله امید ایران، به عادت روزنامه‌نویسها با جریان روز همراه است. اوایل با حزب اکثریت و دولت مخالفت می‌نمود و همچنین در نهاوند دچار مبارزات محلی و مورد فشار فئودالهای قدیمی بود و همیشه از اصلاحات ارضی و عدم

۷۷. وی تنها در همین دوره به نمایندگی انتخاب شد.

۷۸. حسین شکیبانویری، نماینده دو دوره بیست‌ویکم و بیست‌ودوم از تبریز.

۷۹. نماینده دوره‌های بیست‌ویکم تا بیست‌وسوم از تهران.

۸۰. نماینده سه دوره بیست و بیست‌ویکم از ارومیه و بیست‌ودوم از قوشچی و شاپور.

اجرای آن شکایت داشت. ولی یک سال است که دیگر راضی شده‌ام. به دکتر ولیان ارادت می‌ورزد، دولت را به نیاوند دعوت کرد و در همانجا، پس از آن همه انتقاد، عضو حزب ایران نوین شد. روی هم رفته، آدم بی‌ضرری است و اگر مقروض نباشد اضافه طلب نیست.^{۸۱}

[۷۱] دکتر محمود ضیایی، نماینده مشهد

استاد دانشکده پزشکی مشهد. متخصص در امر زایمان و مامایی ولی در مجلس سیاستمدار و رئیس کمیسیون خارجه است و در امور بین‌المجالس مداخله دارد و [در] لوائح وزارت خارجه اظهار عقیده می‌کند. آدم نجیبی است. در حزب ایران نوین شخصیتی دارد. همسرش مدیرکل وزارت آبادانی و مسکن است. اصلاح طلب و بی‌صداست.^{۸۲}

[۷۲] سید عبدالحسین طباطبایی، کازرون

قاضی دادگستری بوده. قدری متعصب است. از دوستان نزدیک جاوید نماینده شیراز است. با مرحوم منصور شدیداً مخالف بود و چند نطق مخالف بر علیه کارهای وی ایراد کرد ولی بعد از منصور دیگر صدایی از او برنخاست. هنوز منفرد است. با همه نمایندگان گرم و صمیمی است. و روی هم رفته، بی‌نظر است.^{۸۳}

[۷۳] آقای ملک‌شاه ظفر

اغلب در جلسات مجلس حاضر است ولی هرگز ابراز عقیده‌ای در لوائح نمی‌کند. کار او در سرسرا بیان حکایات مسخره و آنکتود^{۸۴} است و برای هر جلسه یک یا دو حکایت جدید طرح کرده و به مریدان خود تحویل می‌دهد. رأی او تابع فراقسیون حزب مردم است و اصراری به دعوت نمایندگان به حزب مردم دارد. آدم بی‌نظری است و مدتها کارش رفع گرفتاری و پرکردن قروض مرحوم پدرش بود که برای وی به ارث گذاشت.^{۸۵}

۸۱. وی فقط نماینده همین دوره بود.

۸۲. نماینده پنج دوره مجلس از مشهد، دوره نوزدهم و دوره‌های بیست و یکم تا بیست و چهارم.

۸۳. نماینده سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم از کازرون.

۸۴. آنکتود : حکایت خنده‌دار

۸۵. نماینده چهار دوره بیستم تا بیست و سوم از ایذه.

[۷۴] دکتر غلامرضا عدل، نماینده تبریز

از کارمندان قدیمی وزارت کشاورزی و بسیار مؤدب و بی‌صداست. در لوایح کشاورزی صاحب عقیده است و در نمایندگان آذربایجان وجهه دارد. از اعضای معتقد حزب ایران نوین است.^{۸۶}

[۷۵] دکتر عبدالرضا عدل طباطبایی، نماینده سراب

استاد دانشگاه، دکتر در حقوق اقتصاد و از اساتید صاحب عقیده است. در کلاس درس و در کمیسیون اقتصاد که رئیس آن است سختگیر است و یک نفری به قدر همه اعضای کمیسیون از لوایح وزارت اقتصاد ایراد می‌گیرد. از کابینه منصور متوقع بود که وزیر اقتصاد باشد ولی چون میسر نشد قدری عصبانی به نظر می‌رسد. وقتی منصور دکتر هدایتی را وزیر کرد کاملاً رنجید ولی به روی خود نیاورد. هنوز هم مترصد فرصت است که خدمتی به وی رجوع شود. گاهی در مجلس به انتقادات مخالفین اکثریت جواب می‌دهد. مرد فهمیده و روشن و وجودش قابل استفاده است.^{۸۷}

[۷۶] مهندس بهمن عطایی، بندر معشور

از کارمندان شرکت نفت بوده بسیار بی‌تربیت است و مورد تنفر نمایندگان مجلس؛ زیرا به صورت موهنی با همه طرف می‌شود. در حزب ایران نوین هم مورد بی‌لطفی اعضاست و اغلب از وی انتقاد می‌کنند. فقط با آقای هویدا دوست است و گوشه و کنار می‌گویند که دوستی او با هویدا قدیمی و خانوادگی بوده و فعلاً هم توسط ایشان تقویت می‌شود. با آنکه سمتی ندارد در اغلب مجالس رسمی دعوت می‌شود و یک اتومبیل کورسی گرانیقیمت هم دارد. در باره وی حرفهایی می‌زنند که قابل بررسی نیست.^{۸۸}

[۷۷] غلامحسین فخر طباطبایی، نماینده بروجرد

از قضات پاکدامن و معروف دادگستری است. بسیار شریف و مسلمان و بی‌غرض است. موجب حیثیت فراکسیون حزب مردم می‌باشد. انتقاداتی که از طرف او عنوان شود اغلب مورد قبول مجلس قرار می‌گیرد. مخصوصاً در لوایح قضایی و دادگستری نظر او برای مجلس قابل توجه و مورد قبول است. برای نیابت ریاست نامزد بود و آراء زیادی

۸۶ نماینده شش دوره مجلس از تبریز، دوره هجدهم و نوزدهم و بیست و یکم تا بیست و چهارم.

۸۷ نماینده دوره‌های بیست و یکم و بیست و دوم از سراب.

۸۸ نماینده سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم از ماهشهر.

داشت ولی چون عضو حزب اقلیت بود با تفاوت بسیار کمی شکست خورد. به هر صورت مورد احترام اقلیت و اکثریت است.^{۸۹}

۷۸. | محمد قره‌چورلو، نماینده تهران

از کارمندان قدیمی وزارت کار و از رهبران اکثریت است و دسته نمایندگان کارگران را هدایت می‌کند. به عکس هیکل بزرگ، خیلی نجیب و متواضع است و با عوام فریبی سخت مخالف است و اگر کسی پشت تریبون سفسطه کند از کوره در می‌رود و شدیداً اعتراض می‌کند. در مسائل کارگری، نظر به تجربه‌ای که دارد، عقاید مفیدی ابراز می‌کند و مورد قبول است. از اعضای برجسته حزب ایران نوین است.^{۹۰}

۷۹. | دکتر محمد فراگوزلو، نماینده قم

اهل آذربایجان است و قبلاً رئیس بیمارستان نکونی قم بوده. برای بهبود وضع قم شدیداً تلاش کرده ولی توفیقی نیافته است. آدم سربه راهی است ولی در قم محلی برای سکونت ندارد. فعلاً هم نماینده مجلس است و هم در شیروخورشید تهران خدمت می‌کند و حقوقی می‌گیرد. با دکتر کاسمی روابط بدی دارد و از وی انتقاد می‌کند.^{۹۱}

۸۰. | جمشید کشفی، نماینده یهود

بازرگان کاملی است. بسیاری قطعات سعدی و آیه‌های قرآن را از حفظ دارد و تفسیر می‌کند. دو زن دارد یکی یهودی و یکی مسلمان و گویا برای ازدواج با زن مسلمان یک دفعه هم مسلمان شده و ازدواج کرده و دوباره یهودی شده. اصولاً معلوم نیست که آقای کشفی مسلمان است یا یهودی. از حیث فروش اتومبیل به نمایندگان و طرز معامله او کاملاً یهودی و هنگام منطق و خطابه مثل یک واعظ مسلمان است. بسیار خوش مشرب و به شاه و میهن علاقه فراوان اظهار می‌دارد. گویا اخیراً وضع مادی وی خراب شده بود و درباره وی تضحیح حق شده است و برای حفظ موجودیت کارخانجات مونتاژ جیب به وی اجازه ندادند که لندرو را که نمایندگی داشت به قدر کافی مونتاژ نماید؛ زیرا لندروور متقاضی بسیار داشت ولی او نتوانست آن را مونتاژ نماید و با گران شدن بنزین اقساط اتومبیل‌های وی معوق ماند و روبه ورشکستگی رفت و با زحمات زیادی جلو آن را گرفت. روی هم رفته، آدم جالبی است و در کارهای خیر، به خصوص برای کلیمیاها،

۸۹. نماینده پنج دوره مجلس از بوجود، نوزدهم تا بیست و سوم.

۹۰. نماینده سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم از تهران.

۹۱. وی تنها یک دوره نماینده مجلس شد.

صرف مال و وقت می‌نماید و طرفداران زیادی دارد.^{۹۲}

[۸۱] علی کمالوند، نماینده ملاوی

چون ورود وی به مجلس با مخالفت توأم بود کماکان بی‌صدا و گوشه‌گیر است. پرونده انتخابات وی سالم نبود و رقیب انتخاباتی وی که از حق خود محروم شده بود با اکثر نمایندگان تماس گرفت. آقای ملک‌شاه ظفر با اعتبارنامه وی مخالفت کرد ولی به جهاتی مخالفت خود را پس گرفت. گویا قبلاً دارای تمایلات چپی بوده و کتابی به نام «شاهزاده خانم» نوشته است؛ ولی به هر صورت، رئیس دفتر آقای علم بود و خانواده آنها در ملاوی نفوذ دینی دارند و رقیب وی با او عموزاده بود. عضو حزب ایران نوین است و تاکنون تظاهر نابه‌جایی نداشته است.^{۹۳}

[۸۲] کیهان یغمایی، نماینده مشهد

مرد فعال و رفیق دوست و در تلاش بهبود وضع زندگی خود و حوزه انتخابیه است. قبلاً اجازه کار آستان قدس و از متنفذین مشهد بوده با روزنامه‌نگاران دوست و خیلی میان مردم است. سواد چندانی ندارد ولی در کشاورزی بی‌اطلاع نیست. به دردهای مردم آشنایی دارد و خیلی سریع صحبت می‌کند و به نطق در جلسه علنی خیلی علاقه دارد. اغلب مخالفتها را با لحن تعارف‌آمیز ادا می‌کند. زرنگ است و در مشهد دوستان بسیاری دارد. کارخانه بزرگ قند شیرین را در مشهد ایجاد کرد و امروز مؤسسات مزبور بزرگ‌ترین واحد تولید قند و شکر است و مزارع نمونه‌ای که در مشهد به وجود آورده در نوع خود جالب و بی‌نظیر است و حقیقتاً خدمتی به کشاورزی کشور است. در مسئله گرانی نفت و بنزین شدیداً با منصور مخالفت کرد ولی حرفش به جایی نرسید. مدت‌ها عضو فراکسیون مستقل بود و اخیراً به حزب مردم وارد شد. از ارادتمندان آقای دکتر اقبال است و با دکتر سامی‌راد و عنایت‌السلطنه نصیری دوستی نزدیک دارد. روی هم رفته، آدم فعال و لایقی است و بسیار حرف‌شنوی دارد و با اولین اخطار دست از رویه خود، اگر اشتباه باشد، برمی‌دارد.^{۹۴}

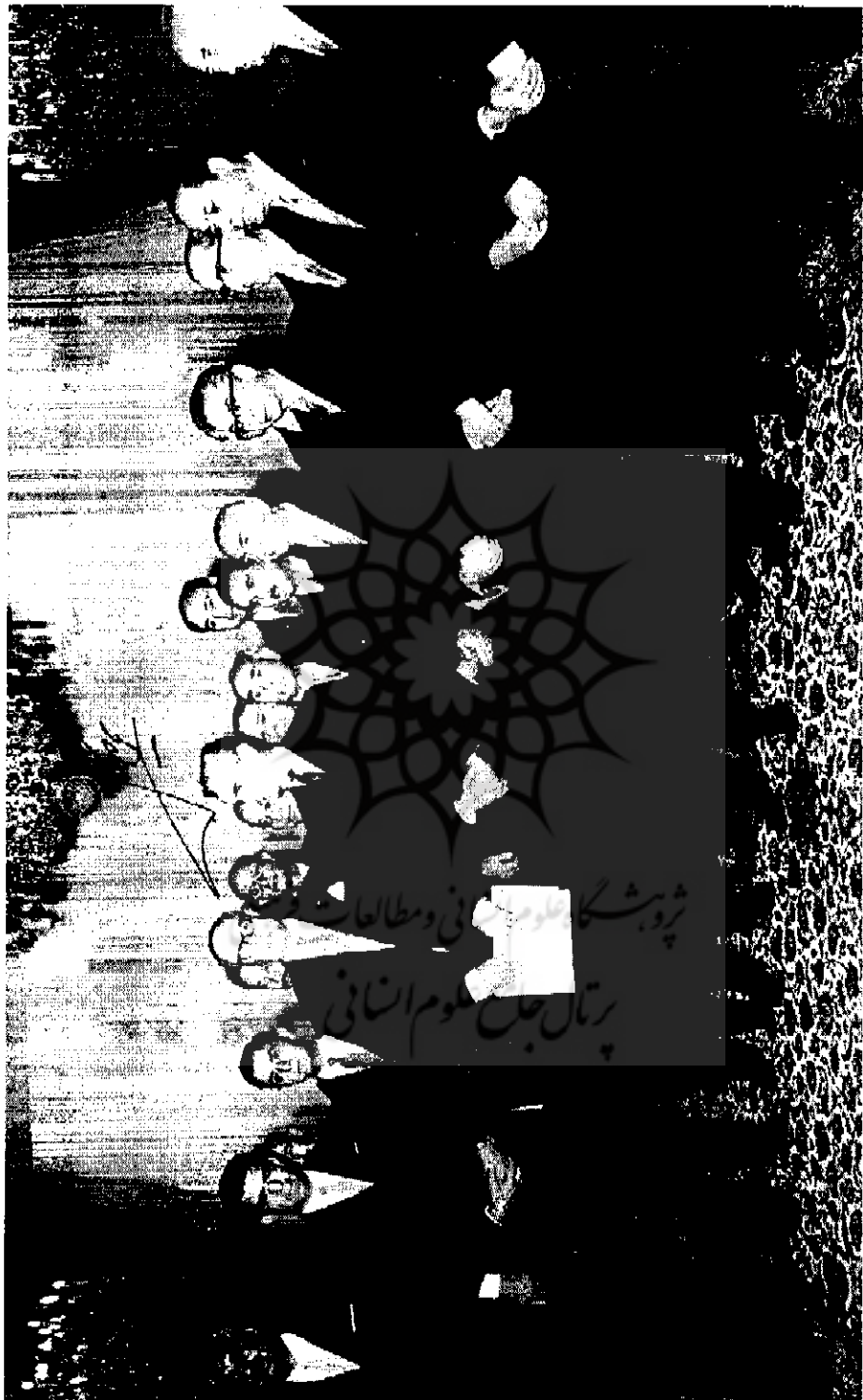
[۸۳] هوشنگ کمانگر

مهندس کشاورزی و از نمایندگان اصلاحات ارضی است. ابتدا جزو اعضای معتقد

۹۲. وی فقط در همین دوره به نمایندگی مجلس رسید.

۹۳. نماینده سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم از ملاوی.

۹۴. احمد کیهان یغمایی نماینده دو دوره بیستم و بیست و یکم از مشهد.



هیئت رئیسه مجلسین در حضور شاه از راست: جبارعلی ارفع، حسین خطیبی، علی الشرفیاحمدی، محمد سجادی، عبدالله ریاضی، حسن صائی، محمدولی فر اچوونلو، ایرج مطبوعی، محمد سعید، محمدرضا پهلوی، پروشانی، محمود خطیبی، جعفر شیریندانی، جواد سعید، قاسم معینی، پرویز یارانشار، جواد مؤدب و کیهان پنهانی | ۱۳۶۴-۵۱-۱۳۶۴

حزب ایران نوین بود ولی چون به او تکلیف کردند که از ریاست کمیسیون به نفع خانم دولتشاهی کنار رود با آنان مخالف شد و از حزب استعفا داد و فعلاً بلا تکلیف است. به نظر می‌رسد که آدم ناراحتی نیست ولی آن‌طور که توقع داشتند در حزب مطیع نبوده است.^{۹۵}

۸۴. ناصر کنگرلو، نماینده گناباد

مرد درویش و نجیبی است. برای حوزه انتخابیه خود بسیار تلاش کرده و تا حدی هم کارهایی برای محل انجام داده است. از آینده خود برای تجدید انتخابات نگران است. حوزه وی مقر در اویش گنابادی است و کنگرلو مورد قبول قطب سلسله گنابادی است.^{۹۶}

۸۵. آقای کاظم کورس، نماینده همدان

مرد بسیار سربه‌راه و موافقی است. در کارهای خیریه پیشقدم است و در مسائل اقتصادی صاحب‌نظر. همیشه در کمیسیون اقتصاد عضو ثابت است و لوایح را حک و اصلاح می‌کند و هرگز در مجلس غیبت ندارد. مورد احترام نمایندگان و در خارج از مجلس مورد قبول جامعه بازرگانان است.^{۹۷}

۸۶. مهندس کیا، نماینده بابل

عضو ثابت هیئت رئیسه بوده در حزب ایران نوین مورد علاقه و احترام است. هرگز تظاهراتی نداشته، بسیار مؤدب و مهربان و نجیب است.^{۹۸}

۸۷. دکتر مرتضی قلی‌کیان، نماینده شهرضا

به کار خود علاقه‌مند است و برای بهبود وضع شهرضا، که دچار بی‌آبی است، تلاش بسیار کرد. مایل بود که آنان را مانند کشاورزان بی‌آب یزد به خوزستان مهاجرت دهد ولی به علت کسور اعتبار موفق نشد. چندی منشی مجلس بود و گاهی در لوایح نظریات موافق و مخالفی ابراز می‌کرد. نسبت به حزب ایران نوین بسیار مؤمن و از اعضای

۹۵. وی تنها در همین دوره از سندج انتخاب شد.

۹۶. وی تنها در همین دوره انتخاب شد.

۹۷. وی نماینده چهار دوره مجلس از تهران بود. دوره‌های بیستم تا بیست‌وسوم. دکتر بقایی در اینجا به اشتباه وی را نماینده همدان دانسته است.

۹۸. مهندس افراسیاب کیا نماینده چهار دوره بیستم تا بیست‌ودوم بابل و بیست‌وسوم از نوشهر.

ثابت قدم به شمار می‌رود.^{۹۹}

۸۸. | صدری کیوان، نماینده دشت میشان

رئیس فرهنگ سابق سوسنگرد، جوانی بسیار امین، صادق، از اعضای مؤمن حزب ایران نوین است و اغلب در مراسم عمومی و در کلیات لوایح دولت صحبت می‌کند و همیشه نطق وی با آیاتی از قرآن توأم است. از طرف حزب مأمور افتتاح چند شعبه در خوزستان بود. در مجلس دوستانی دارد؛ ولی در حوزه انتخابیه مدعیانی دارد و عشایر و شیوخ محلی که تعداد آنها زیاد هم هست علاقه دارند یک نماینده از خودشان در مجلس داشته باشند و آقای کیوان، که اهل شوشتر و مورد احترام مردم شوشتر است، از آنجا کاندید نشود.^{۱۰۰}

۸۹. | عیسی مبارک، ایرانشهر

سردار عیسی مبارکی فرماندار سابق ایرانشهر و بزرگ ایل مبارکی است. مردی فوق‌العاده ساده و خوش‌نیت و علاقه‌مند به خدمت به بلوچستان و برای اهالی محل بسیار دلسوز و گاهی در کمال صراحت و سادگی از رویه دولت و کوتاهی درباره بلوچستان انتقاد می‌کند. این جمله معروف از اوست که «آنقدر به موکلین دروغ گفته‌ام که دیگر وعده‌هایم رنگی ندارد». برای او سفر علیاحضرت شهبانو به بلوچستان فوق‌العاده امیدوارکننده و مسرت‌بخش بود و او از شادی در پوست نمی‌گنجید.^{۱۰۱}

۹۰. | دکتر غلامرضا مبین، نماینده خواف

قاضی دادگستری بود. ذره‌بین مجلس است. کوچک‌ترین نقضی در لوایح باشد فوراً کشف می‌کند و موارد نقض آن را با قوانین تذکر می‌دهد و آنقدر در این راه افراط کرد که مورد اعتراض حزب ایران‌نوین قرار گرفت و بالاخره منجر به اخراج او از حزب شد. ولی وی واقعاً مرد مبین‌پرست و شاهدوستی است و علاقه‌مند است که قوانین بدون عیب و نقص از مجلس بگذرد و بعداً موجب انتقاد و اسباب اشکال نشود.^{۱۰۲}

۹۹. نماینده پنج دوره بیستم تا بیست‌وسوم شهرضا و بیست‌وچهارم قمشه و شهرضا.

۱۰۰. نماینده چهار دوره بیست‌ویکم تا بیست‌وسوم دشت میشان و بیست‌وچهارم اهواز.

۱۰۱. نماینده دو دوره مجلس بیستم و بیست‌ویکم از ایرانشهر.

۱۰۲. نماینده دو دوره بیست‌ویکم و بیست‌ودوم از خواف.

[۹۱] رضامجد، نماینده محلات

قاضی دادگستری بود. از منسوبین آقای خسروانی وزیرکار است. جوانی است مؤدب، خوش فکر، و به کار مجلس علاقه مند و نسبت به حزب ایران نوین معتقد است. گاهی انتقادات اصلاحی دارد ولی در جلسه علنی هرگز اعتراض نمی کند. روی هم رفته، جوان شایسته ای است.^{۱۰۲}

[۹۲] مجید محسنی مهر، دماوند حزب ایران نوین

هنرپیشه، برای حوزه انتخابی خود بسیار دلسور حتی از مال شخصی خود برای آنها درمانگاه ساخته است و آنقدر در راه دلسوزی و کمک به دهقانان محل افراط کرد تا با سازمان اصلاحات ارضی در مورد عدم انجام قسمتی از دعوای بانک کشاورزی در جلسه علنی برخورد نمود و بعداً معلوم شد که در حزب قدری او را تحریک کرده بودند و او از فرط علاقه به کار کشاورزان و قدری سادگی دست به چنین کاری زد و به اصلاحات ارضی حمله کرد در حالی که تقصیر واقعی متوجه دادگستری بود که از مالکین حمایت کرده بودند. به حمایت صنفی پای بند است و مرتب برای بهبود وضع هنرمندان تلاش می کند. خود او هنرمند با استعدادی است و واقعاً به شاهنشاه و انقلاب سفید ایمان دارد و یکی از نمایندگان خدمتگزار بوده و اگر در مسئله حمله به سازمان اصلاحات ارضی سهوی کرده ناشی از علاقه شدید به حمایت از کشاورزان محروم بوده است.^{۱۰۳}

[۹۳] محمدعلی محدث زاده، نماینده کرمان

از طبقه کارگر است و از کارگری | به مقام استادی قالیبافی رسیده و در کار قالی و قالیبافی و مسائل مربوط به آن تبحر کافی دارد و نظریات وی پخته و سنجیده و قابل عمل است. مردم کرمان از او به خوبی یاد می کنند و نمایندگی او را از مظاهر انقلاب شاه و مردم می دانند.^{۱۰۴}

[۹۴] آقای دکتر مصباح زاده - بندرعباس

مدیر روزنامه کیهان، استاد دانشگاه. در ابتدا توقع ریاست مجلس را داشته و فعلاً و کمتر در مجلس حضور می یابد و اغلب جزء غائبین بی اجازه است و بیشتر به کار اداره

۱۰۳. نماینده سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم از محلات.

۱۰۴. نماینده سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم از دماوند.

۱۰۵. نماینده سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم از کرمان.

روزنامه و رسیدگی به معاملات ملکی در تهران و بندرعباس مشغول است.^{۱۰۶}

[۹۵] سیدحسین مصطفوی نائینی، نماینده نائین

از کارمندان قدیمی وزارت کشور و مدتی فرماندار یزد و اهواز و مدیرکل شهرداریها بود. در امور مربوط به وزارت کشور و لوایح مربوط به آن بصیرت کافی دارد. در ابتدا جزو فراکسیون مستقل و گاهی هم با دولت مخالف ولی اخیراً به علت گرفتاریهای محلی به عضویت حزب ایران نوین درآمد. در نائین علاوه بر مشکلات بی‌آبی و بدی وضع اجتماعی با مخالفت عوامل محلی منسوب به فامیل پیرنیا و دکتر طباطبائی مواجه است و این گونه مبارزات محلی از خواص نائین می‌باشد. آدم رفیق‌دوست و کارکن است و به کارهای حوزه خود علاقه کافی نشان می‌دهد.^{۱۰۷}

[۹۶] حسین معتمدی، اصفهان

تکروری دارد. روزنامه‌نویس است ولی با روزنامه‌نویسها هم میانه‌ای ندارد. مرتب شکایات و طومارهایی به رئیس مجلس در جلسه علنی تقدیم می‌کند که به عقیده نمایندگان اصفهان ساختگی است. نطق او اغلب با واکنش مخالف مجلس مواجه می‌شود. به صورت ظاهر آدم بدی نیست ولی اهالی اصفهان چندان از وجود وی راضی نیستند و انتقادات او هم گاهی زننده و باعث تشنج می‌شود.^{۱۰۸}

[۹۷] مهندس امیرقاسم معینی، نماینده شاهرود

معاون سابق وزارت کار و رئیس کمیسیون، عضویت در حزب ایران نوین و منشی مجلس شورای ملی است. کم حرف و نجیب است. هرگز نطق و انتقاد نمی‌کند ولی گاهی در سرسرا به کار صلاح‌اندیشی مشغول است. برای حوزه خود فعالیت کافی دارد و خدماتی هم انجام داده است. برای نمایندگان مجلس قیافه مقبول و محترمی است.^{۱۰۹}

[۹۸] مهندس اسماعیل معینی زند، رزن همدان

عضو هیئت مدیره سابق سازمان آبیاری، مهندس کشاورزی است و در کشاورزی و آبیاری مختصر سررشته‌ای دارد. به ادبیات علاقه‌مند است و اغلب مشغول جمع‌آوری

۱۰۶. نماینده چهار دوره از بندرعباس، دوره‌های پانزدهم تا هفدهم و بیست و یکم.

۱۰۷. نماینده چهار دوره بیستم تا بیست و سوم از نائین.

۱۰۸. وی تنها در همین دوره به نمایندگی مجلس رسید.

۱۰۹. نماینده سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم از شاهرود.

دوست و رفیق می‌باشد. کاربرد از مجلس است و اغلب به کارگزار گشایی مستخدمین مجلس مشغول است. در مجلس دوستان زیادی دارد که برای مواقع انتخابات داخلی مجلس جمع‌آوری می‌کند و زندگی مرفهی هم دارد.^{۱۱۰}

[۹۹]. سرهنگ حبیب‌الله ملک‌زاده آملی، نماینده آمل

عضو حزب ایران‌نویین است. خیلی زود عصبانی و برافروخته می‌شود. اوایل برای حوزه انتخابیه خود مرتب نطق می‌کرد، ولی فعلاً دیگر صدایی ندارد. گاهی انتقاد می‌کند، ولی اگر مختصری کار برای حوزه‌اش انجام شود راضی است. روی هم رفته، نجیب و بی‌صداست.^{۱۱۱}

[۱۰۰]. دکتر قدرت‌الله موثقی، تهران

جراح است و هنوز هم به کار خود مشغول است و در بیمه‌های اجتماعی خدمت می‌کند. در مورد امور بهداشتی چندان اطلاعی ندارد ولی مایل است او را کارشناس بدانند و چون فرصتی پیدا می‌کند به نام مطالعه یا عضویت بین‌المجالس به خارج سفر می‌کند. چون حوزه او تهران است لزومی نمی‌بیند از حوائج آن صحبت کند «زیرا همه آن را می‌بینند».^{۱۱۲}

[۱۰۱]. سرهنگ جواد موسوی کبیری، ایلام

مردی معتقد به ملیت و شاه و مردم است. نطقهای بسیاری در حوائج ضروری ایلام کرد و حتی در راه تأمین خواسته‌های ایلام کار را به سؤال از دولت به دفعات و تا تهدید و استیضاح کشانیده است. و بالاخره بسیاری از حوائج آنها را مرتفع کرده و فعلاً از دولت اظهار رضایت می‌کند. قدری عصبانی است و اگر کاری برخلاف اصول باشد شدیداً حمله می‌کند و به حفظ اصول و حیثیت مجلس پای بند است.^{۱۱۳}

[۱۰۲]. میراسدالله موسوی ماکویی، ماکو

ناظم دبیرستان البرز و یک فرهنگی با سابقه و واقعاً معلم است. از حقوق فرهنگیان شدیداً دفاع می‌کند و در لوایح فرهنگی نظریات زیادی ابراز می‌دارد که بعضی از آنها

۱۱۰. نماینده سه دوره رزن همدان، بیست و یکم تا بیست و سوم.

۱۱۱. نماینده سه دوره بیستم تا بیست و دوم از آمل.

۱۱۲. نماینده سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم از تهران.

۱۱۳. وی تنها در همین دوره انتخاب شد.

مورد قبول دولت واقع می‌شود. برای حوزه خود نیز تلاش می‌کند و اغلب در اطراف حرکت کوه در ماکو و عواقب آن اظهار نگرانی می‌نماید. در طرفداری حقوق مردم و شاهدوستی و میهن‌پرستی متعصب است.^{۱۱۴}

[۱۰۳]. محسن موقر، اهواز

مدیر روزنامه مهر ایران ارگان حزب مردم است. در مجلس بی سروصدا است و اهل نطق و خطابه نیست. روزنامه‌اش را هم دیگران می‌نویسند. آدم بدی نیست و اغلب خواسته‌های خوزستان را در روزنامه منعکس می‌کند. عضو پابرجای فراکسیون حزب مردم است.^{۱۱۵}

[۱۰۴]. دکتر سیدجواد مهدب، نماینده فسا

دکترای حقوق و علوم اداری از آمریکاست. در این سه سال منشی مجلس بوده و اغلب از جای هیئت رئیسه پایین می‌آید تا بتواند در بحث و انتقاد در جلسه علنی شرکت کند. برای حوزه انتخابیه‌اش دلسوز و مرتب با دولت برای بهبود وضع آنان کشمکش دارد. خیلی پرحرارت است ولی نظر به انضباط حزبی اغلب حرارت خود را خاموش می‌کند. عقاید وی در مسائل حقوقی و اداری قابل توجه و با ارزش است.^{۱۱۶}

[۱۰۵]. سیدحسن میرافضل، نماینده بروجن

عضو حزب ایران نوین است. در ابتدای کار توقع داشت منصبی به وی در مجلس ارجاع کنند ولی چون استحقاق نداشت نشد و مدتی گله‌مند بود. با خوانین محلی سابقه کشمکش زیاد دارد و هنوز هم گرفتار است. برای حوزه خود تلاش می‌کند ولی چندان توفیقی نداشته است.^{۱۱۷}

[۱۰۶]. سیدمحمد میرهادی، تفرش

از کارمندان قدیمی دارایی است. اغلب مریض است و گاهی در مجلس یا در سرسرا می‌نشیند و با نمایندگان صحبت می‌کند. آدم خوبی است ولی تحرکی ندارد و ابراز

۱۱۴. نماینده پنج دوره بیستم تا بیست و چهارم از ماکو.

۱۱۵. نماینده دوره بیستم خرمشهر، بیست و یکم اهواز و بیست و دوم و بیست و سوم شوش.

۱۱۶. نماینده دو دوره فسا، بیست و یکم و بیست و دوم.

۱۱۷. نماینده دوره‌های بیست و یکم و بیست و سوم از بروجن.

عقیده‌ای هم نمی‌کند.^{۱۱۸}

۱۰۷. | محمد حسین نارونی، زابل

سردار محمدحسین نارونی از ارادتمندان آقای علم است. مرد ساده و عامی است ولی بسیار خوش قلب و پاک است. انتقادات خود را در لفافه شوخی و لطیفه بیان می‌کند و لقب خود را حسین غم‌کش گذاشته است. اغلب نمایندگان در ساعت فراغت در سرسرایه دور او جمع می‌شوند و به معرکه او گوش می‌دهند. برای حوزه خود و کمبود آب و مسئله هیرمند و غیره دلسوزی می‌کند، ولی متأسفانه حرفهایش را جدی تلقی نمی‌کنند. مسافرت علیاحضرت شهبانو به آن نواحی برای وی موهبتی است که بسیار به عواقب و نتایج آن امیدوار و دل بسته است.^{۱۱۹}

۱۰۸. | دکتر رضا نجیمی، آباده

از کارمندان قدیمی وزارت کشاورزی است. فوق‌العاده کمرو و بی‌صداست. در کمیسیونها گاهی اظهار عقیده می‌کند ولی در مجلس یک کلمه حرف نمی‌زند. مرد شایسته و قابل اعتمادی است.^{۱۲۰}

۱۰۹. | عنایت السلطنه نصیری، سمنان و دامغان

رئیس سنی مجلس، برای نمایندگان بسیار قابل احترام و مرد شریفی است. در امور مالی و بانکی صاحب‌نظر و گاهی پیشنهادهای اصلاحی از طرف نامبرده داده می‌شود. چندین دوره از طرف مجلس برای چاپ و نظارت بر اندوخته اسکناس انتخاب گردیده و مورد قبول اکثریت و اقلیت است.^{۱۲۱}

۱۱۰. | بانو نزهت نفیسی، بافت

همسر آقای نفیسی شهردار اسبق تهران، تحصیلاتی ندارد ولی انتقاد می‌کند. از بانوان دیگر مجلس جدا شده در سمت دیگر نشسته است. هرگز از تریبون استفاده نکرده و انتقادات را در سرسرای مجلس به عمل می‌آورد. به علت گرفتاری شوهرش بینهایت افسرده و سرافکنده بوده و با آن که نمی‌خواست بر روی خود بیاورد ولی قهراً

۱۱۸. نماینده دو دوره بیستم و بیست و چهارم از تفرش.

۱۱۹. نماینده دوره بیست و یکم زابل و بیست و سوم زاهدان.

۱۲۰. نماینده دو دوره بیست و یکم و بیست و سوم از آباده فارس.

۱۲۱. نماینده چهار دوره هجدهم تا بیست و یکم سمنان و دامغان.

دلشکسته و مأیوس بود. بسیاری پرتوقع و زودرنج و در مورد تقاضاهای مربوط به حوزه انتخابیه‌اش عجول و بی‌صبر بود و اغلب با هیئت دولت کارش به مجادله می‌کشد. روی هم رفته، عمل نابه‌جایی از او دیده نشده و عقاید قابل‌ی هم ندارد.^{۱۲۲}

[۱۱۱] | سرلشکر سید محمود نکوزاد، خرم‌آباد

افسر بسیار شریف با ایمانی است. یک نماینده مرتب و منظم در کار مجلس و دلسوز مهربان برای حوزه انتخابیه و مردم است. نطقهای زیادی درباره حواجج مردم حوزه‌اش ایراد کرده ولی ابداً جنبه انتقادی ندارد و بیشتر در قالب ارشاد و راهنمایی و جلب توجه است. عضو حزب ایران نوین است. ولی به هر حال، از نظر اقلیت و اکثریت شخصیت قابل احترامی است.^{۱۲۳}

[۱۱۲] | سید محمد باقر نیری، اردستان

مردی باهوش و از کارمندان با سابقه وزارت دارایی است و در کار لوایح مالی و مالیاتی صاحب‌نظر و عقیده است. در ابتدای کار مجلس در انتخاب رئیس کمیسیون بودجه از مرحوم منصور ریخته و از دسته او جدا شده و به صورت یکی از مخالفین حزب ایران نوین درآمد و اکثریت هم بعداً به نظریات او توجهی نکردند. او برای اردستان خیلی دلسوزی می‌کند؛ به خصوص برای تأمین راه و آب و احیای صنایع دستی آن ناحیه تلاش می‌نماید. اخیراً به عضویت حزب مردم درآمده. و در وزارت دارایی دوستان زیادی دارد.^{۱۲۴}

[۱۱۳] | مهندس عبدالله والا، گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر مجله تهران‌مصور، عضو فراکسیون حزب مردم و اغلب در رل مخالف دولت از طرف حزب یا خودش صحبت می‌کند. خیلی احساس و سریع‌التأثر است و با آنکه مجله او پرتیراژ است وضع مادی خوبی ندارد ولی برای عقیده خودش ارزش و احترامی بیش از آنچه هست قائل است. با اکثریت میانه خوبی ندارد و نطقهایش با اعتراض مواجه می‌شود و هرچه اعتراض بیشتر شود او هم کنترل خود را از دست می‌دهد و گاهی مسائلی را طرح کرده است که گفتن آن در جلسه علنی مصلحت نبوده؛ ولی نامبرده شخص مغرضی نیست و اگر هم وقتی لغزشی داشته به علت زمینه قبلی بوده که

۱۲۲. وی تنها یک بار به نمایندگی مجلس رسید.

۱۲۳. نماینده دو دوره بیست و یکم و بیست و دوم از خرم‌آباد.

۱۲۴. نماینده دو دوره از اردستان، بیست و بیست و یکم.

برایش فراهم کرده‌اند.^{۱۲۵}

[۱۱۴] دکتر سیف‌الله وحیدنیا، لنجان

دکتر حقوق، روزنامه‌نگار و سابقاً عضو شرکت بیمه بوده. اهل مطالعه و تحقیق و تألیف است. مجله ادبی وجد که از طرف وی منتشر می‌شود حتماً یکی از انتشارات جالب زبان فارسی است که در افغانستان و پاکستان نیز تیراژ زیادی دارد و مورد تقاضاست. در مجلس اغلب بی‌صدا و ساکت است و آرام برای حوزه خود تلاش می‌کند و به فرهنگ کشور نیز خدمت می‌نماید. عضو شورای عالی شرکت بیمه است و با نصب ذوب‌آهن در لنجان حوزه وی از هر جهت روبه آبادی گذاشته است.^{۱۲۶}

[۱۱۵] تیمسار سرلشکر فضل‌الله همایونی، کوهدشت

قسمت اعظم از دوره نمایندگی نامبرده به کسالت و بستری بودن گذشت. فعلاً هم با دو عصای زیر بغل به مجلس می‌آید و ساعتی می‌نشیند و می‌رود. هرگز عقیده مخالف یا موافقی ابراز نمی‌دارد جز در کمیسیون آن هم در لوایح مربوط به وزارت جنگ اگر حکم و اصلاحی ضروری باشد.^{۱۲۷}

[۱۱۶] حسینعلی هیراد

اغلب به کار موکلین خود سرگرم است و مراجعه زیاد دارد و اکثراً مشغول نوشتن نامه و توصیه برای گره‌گشایی کار مراجعین است. و در جلسه هم می‌آید و می‌رود ولی هرگز نطق و خطابه‌ای ایراد نکرده. اهل بحث و انتقاد هم نیست؛ ولی برای رسیدگی به موکلین علاقه نشان می‌دهد.^{۱۲۸}

[۱۱۷] دکتر عزت‌الله یزدان پناه، شهبوار

دکتر حقوق، عضو دبیرخانه بین‌المجالس و مدتی رئیس کمیسیون بودجه بود. از قیافه‌های خوب فراکسیون حزب ایران‌نویین است. مرد زحمت‌کشی است و کارهای کمیسیونها و بین‌المجالس و رسیدگی به امور موکلین همه را انجام می‌دهد و خیلی هم بی‌تظاهر است.^{۱۲۹}

۱۲۵. نماینده دو دوره بیستم و بیست‌ویکم از خلخال.

۱۲۶. نماینده سه دوره بیست‌ویکم تا بیست‌وسوم از لنجان.

۱۲۷. نماینده دوره بیستم تهران و بیست‌ویکم تا بیست‌وسوم از کوهدشت.

۱۲۸. حسینعلی هیراد نماینده دو دوره بیستم و بیست‌ویکم از نوشهر.

۱۲۹. نماینده سه دوره مجلس از شهبوار، بیست‌ویکم تا بیست‌وسوم.



حسینی منصور در حال سخنرانی در مجلس دوره بیست و یکم؛ ردیف جلو از راست: نصرت‌الله معینان، عباس آرام، جمشید آموزگار، عطاءالله خسروانی، علیقلی عالیخانی، اسماعیل راجعی، باقر پونشوی و حسین خطیبی (۱۳۲۲-۴۰ع)

| ۱۱۸ | دکتر اسفندیار یگانگی، زرتشتیان

بنیانگذار روش نوین آبیاری و حفر چاه عمیق در ایران است. دکترای حقوق و از مردان شایسته و خدمتگزار است. همیشه در مجلس حاضر است و به تمام لوايح، به خصوص مالی، توجه کامل می‌کند و آنها را اصلاح می‌نماید یا پیشنهادات اصلاحی جالبی ارائه می‌دهد. مردی راستگو و درستکار و بسیار بخشنده و در کارهای خیر و عام‌المنفعه پیشقدم و مساعد است. نامبرده چه در جامعه زردشتی و چه بین نمایندگان مجلس و کسانی که او را می‌شناسند واقعاً دارای حسن شهرت و شخصیتی قابل احترام است.^{۱۳۰}

| ۱۱۹ | باقر بوشهری، بوشهر

آدم نجیب و محترمی است ولی هیچ‌گونه عقیده‌ای ابراز نمی‌کند. در کمیسیونها گاهی کلامی بر زبان می‌راند که دنباله ندارد. بیشتر گرفتار دعاوی خود با دولت و وزارت دارایی است که حقوق املاک و خانه‌های موروثی آنها در بوشهر، که ضایع شده، برگردد.^{۱۳۱}

| ۱۲۰ | دکتر بقایی یزدی؟^{۱۳۲}

| ۶۹۳۳۲ | ۶۹۳۷۷ |

[۲]

گزارش: درباره دولت و وضع حزب ایران نوین

| ۱۳۵۱ |

۱. وضع احزاب در حال حاضر (نظریه مردم نسبت به حزب و استنباط اعضای حزب نسبت به حزب)

از دو حزبی که فعلاً به صورت اکثریت و اقلیت مشغول فعالیت هستند حزب مردم، چه در گذشته و چه پس از انتخابات دوره اخیر^{۱۳۳} که مختصر حک و اصلاحی در آن صورت گرفته، در هیچ حالت واجد شرایط یک حزب سالم و اصیل نبوده؛ و چون گردانندگان آن، به هر حال، واجد صلاحیت علمی و رهبری و فارغ از آلودگیهای مادی

۱۳۰. نماینده چهار دوره بیست و یکم تا بیست و چهارم.

۱۳۱. محمدباقر بوشهری، نماینده شش دوره هیجدهم تا بیست و سوم از بوشهر.

۱۳۲. دکتر بقایی مطلبی درباره خود نگاشته است.

۱۳۳. منظور انتخابات دوره بیست و سوم، مجلس شورای ملی است.

نبوده‌اند نتوانسته و نخواهد توانست که جذب عضو و جلب اعتماد نماید، به خصوص که چنین حزبی در حال اقلیت و فاقد قدرت دولتی و اجرایی هم باشد.

و اما حزب ایران نوین، که از بدو تأسیس تاکنون تاکنون جنبه دولتی و حاکمیت و اکثریت داشته و با آنکه در بدو تأسیس با در دست داشتن قدرت اجرایی و حمایت بی‌دریغ شاهنشاه پایه‌گذاری گردیده و تعداد کثیری افراد روشنفکر و بدون آلودگی بدان گرویده بودند، مع‌هذا هرچه در طول زمان و برحسب احتیاج مردم به دولت و تصور کسب مقام یا رفع مشکل بدان گرویده‌اند به ظاهر از نظر کمیت توسعه یافته ولی متأسفانه به علت ضعف مدیریت و کادر رهبری، که به تدریج به سطح پایین‌تری نزول نموده است، از نظر کیفیت حزبی و تحکیم اساسی تحزب، به همان نسبت تضعیف و روه تنزل نهاده است. مرحوم منصور، به هر صورت و به هر تدبیر که برسرکار آمد، عده‌ای روشنفکر به دور خود داشت که قسمتی از آنان به معنی واقعی روشنفکر و در مسیر راهی که هدف رهبر مملکت بود بی‌غرضانه به راهپیمایی پرداختند. در همان حال، در حزب، دسته دیگری که از دوستان خسروانی بودند و امور کارگری را در دست داشتند بر قسمتی از حزب مدیریت می‌نمودند، یعنی در حقیقت حزب ایران نوین دارای دو جناح بود و پس از منصور نیز با آمدن خسروانی همین وضع دو جناحی ادامه داشت. و کیفیت این وضعیت در این بود که هرگاه کسانی در حزب نسبت به عقیده یا رویه دسته‌ای که کارگردان حزب بودند ایراد داشتند می‌توانستند به دسته دیگر که در اقلیت بودند بگردند و مجبور به ترک حزب یا کناره‌گیری و یأس و نومیدی نبودند و این وضعی است که در همه احزاب دنیای آزاد به نام جناح چپ و راست یا جناح تندرو و معتدل با اسامی دیگر وجود دارد و حزبی که یکپارچه به دست یک عده عناصر معلوم و از یک قماش اداره شود و در آن بحث و انتقاد راه نداشته و هیچ‌گونه استعدادی جز ایادی یک دسته یا سرسپردگان چند نفر قدرت رشد و اظهار وجود نداشته باشند ناچار کسانی که دارای شخصیت معنوی یا حیثیت اجتماعی هستند مجبور به کناره‌گیری و کناره‌جویی خواهند شد و یا اجباراً از دستگاه رهبری رانده می‌شوند.

حزب ایران نوین، در حال حاضر، بدین وضع در آمده و رهبری آن صرفاً در دست آقایان دکتر کلالی و معینی قائم مقام آن است که هر دو چون بنده‌ای در مقابل نخست‌وزیر به تمکین و اظهار بندگی مشغول‌اند و در حقیقت حزب را به صورت شعبه‌ای از دفتر نخست‌وزیر در آورده‌اند. و برای اجرای این منظور، اداره‌کنندگان را از یک طبقه ضعیف و متوسط که قدرت هیچ‌گونه اظهار نظر، ولو اصلاحی، را نداشته و به صورت اداره‌ای از دوایر نخست‌وزیری به کار گمارده‌اند و ناچار اشخاصی که می‌توانند با ابراز نظریات

اصلاحی و طرحهای مفید حیثیت معنوی حزب را افزایش داده و موجبات ارشاد دولت و اعتماد مردم را فراهم آورند از حزب رانده و یا بلااثر گذارده‌اند.

در نتیجه حزب در جریانات مملکتی و طرحهای داخلی به کلی فاقد اثر گردیده و وزرا و عوامل اجرایی در امور جاری مملکتی که در حال عادی مشورت و افکار عمومی را باید در مسیر آن قرار داد نسبت به حزب که بهترین پایگاه برای تجزیه و تحلیل این‌گونه تصمیمات است بی‌اعتنا بوده و اکثراً حزب از تصمیمات دولت و مجریان برنامه‌های عمومی و اصلاحی و یا عمرانی بی‌خبر است. البته حزب دستگاهی به نام طرح و برنامه‌ها به وجود آورده است ولی نه هرگز دولت برنامه‌ای را به آن ارائه داده و نه طرحی از این دستگاه که مفید به حال مردم و نشانه حیات حزب است به دولت و مجلس ارائه گردیده است.

گاهی، برای فرمالیته، لوایح را قبل از دادن به فراکسیون یک جلسه یکساعته در کمیته مرکزی و با مستقیماً به فراکسیون ارائه می‌دهند در آنجا هم اگر بحثی بشود چند اصلاح عبارتی آن بیش از حکم و اصلاح در مضامین لایحه است و نمایندگان هم اکثراً با بی‌تفاوتی کامل و من حیث وظیفه هم ساعتی در فراکسیون نشسته و با گفتن چند «صحیح است» و «تصویب می‌شود» جلسه را ترک می‌کنند. با این وصف، خود نمایندگان حزبی در خارج بهترین مبلغ بر علیه رویه حزب و انتقادکنندگان بسیاری هستند که برای رفع گله یا انتقاد مردم، حزب و دولت و مجلس را تخطئه می‌کنند.

و اما تشکیلات اداری خود حزب هم با وضع آن منطبق است؛ برای مثال چند نمونه ارائه می‌شود:

۱. هیئت اجرایی: که بزرگ‌ترین مرجع اجرایی حزب است، از بدو تشکیل تاکنون روزبه‌روز از حیث کمیّت بیشتر ولی از نظر کیفیت در سطح بسیار پائینی تنزل نموده است. حتی در انتخابات اخیر سعی کردند عناصر یا شخصیت و تحصیل کرده‌ای که ممکن بود روزی در موردی انتقاد نمایند و حتی انتقاد سالم، به بهانه اینکه هرکس بخواهد انتخاب شود باید شخصاً رأی جمع‌آوری کند آنها را کنار گذاشتند. مثلاً آقای دکتر رشتی، که یکی از بهترین حقوقدانهای بین‌الملل در مملکت و عضو هیئت مدیره اولیه گروه مترقی و رئیس قسمت بین‌المللی حزب است، از هیئت اجرایی کنار گذاشته شد. آقای جوانشیر، که رئیس قسمت آموزش و از تحصیل‌کرده‌های خوب حزب و متخصص مسائل تعاونی و ناطق حزبی است، کنار گذاشته شد و تا حتی آقای فروتن مدیر روزنامه حزب که شبانه‌روز زحمت می‌کشید و امثالهم زیادند، به جای آنان کسانی آورده شدند که به مسخره بیشتر شبیه است. این احتیاط برای آن بود که مبادا یک روز یک نفر از این عناصر میل کند که روبه‌روی کاری اشتباه و یا نظری غلط ایستادگی کرده و

به سیستم خاصی که با عناصر ضعیف و بی‌شخصیت و کم‌سواد به وجود آمده است لطمه وارد کنند. در اینجا ممکن است بررسی شود که چه کسانی را از هیئت اجرایی رانده و چه کسانی را به جای آنان آورده‌اند.

۲. سیستم بازرسی حزبی: حزب تشکیلاتی به نام سازمان بازرسی دارد که در حقیقت چشم‌وگوش و عامل سنجش افراد حزبی است و بایستی با تشکیل پرونده‌های مخصوص وضع اعضای حزب را از نظر سوابق سیاسی یا اجتماعی، صحت معلومات و تخصص و غیره بررسی کند تا حزب بتواند از میان اعضای خود برای هر رشته عضو متناسب با آن را جدا نماید؛ ولی متأسفانه این دستگاه هر روز به دست یک نفر ضعیف یا ناوارد سپرده شده و محصول کار، آن وضع کاندیداها در انتخابات بوده است. به طوری که شایع است، تعدادی از نمایندگان دوره گذشته و تعداد زیادی در این دوره اخیر نه تنها به هیچ وجه صلاحیت نمایندگی بلکه حتی صلاحیت ارجاع کار در حزبی که باید مکتب پرورش عقیده و تکیه‌گاه معنوی جوانان و مردم باشد نداشته‌اند. (در این مورد هم، چنانچه بررسی شود، صدق مدعا ثابت است، و تصور می‌کنم سازمان به سوابق بسیاری از نمایندگان که از نظر اجتماعی واجد صلاحیت نبوده‌اند دسترسی داشته باشد.)

به قراری که شایع است، یکی از نمایندگان، که دارای سوء شهرت می‌باشد، امروز در مجلس صفت کارگشایی پیدا کرده و با ادعای اینکه روابط صمیمانه‌ای با زعمای مملکت دارد هر روز به نوعی تظاهر میکند و یا به یکی از مسئولین حزب که دارای سوابقی از نظر جنسی می‌باشد گفته است که بهترین محل برای وعده و ملاقاتهای غیرسالم راهروهای حزب است که به علت آمد و رفت زنان کسی متوجه نمی‌شود.

کار دستگاههای دیگر هم کم و بیش یا آشفته یا جنبه تظاهر و فرمالیته دارد. سازمان کشاورزان که باید در حقیقت بزرگ‌ترین سازمان و تکیه‌گاه حزبی باشد به علت اختلاف نظر بین آقای دکتر ولیان و رؤسای حزب که ناشی از لجاجت و خود رأیی آقای دکتر ولیان و کارشکنی زعمای حزبی است بالنتیجه این سازمان را به حالت بی‌تحرك و مضمحل درآورده است و حتی چندی پیش آقای دکتر ولیان در مجلس، رئیس انتشارات حزب را، که نماینده مجلس است، شدیداً توبیخ می‌نماید که چرا در راهروهای حزبی و ستونهای روزنامه از گزارش و عکس و تفصیلات سازمان کشاورزان خودداری کرده است.

سازمان کارگران هم فعلاً در دست سناتور بلوری است که خود سازمانی خصوصی در سازمان کارگران به وجود آورده و موجبات عدم رضایت جمعی از کارگران و سردهسته‌های سالم را نیز باعث شده و اغلب با نیرنگ و زبان بازی سعی می‌کند قضایای

کارگری را حل و فصل نماید و هرکجا خبری هست خود را داخل نماید و در تملق‌گویی و بند و بست بیش از حد لزوم متظاهر و در نزد بسیاری از کارگران بی‌قدر و قیمت است. مراتب فوق قابل بررسی و تحقیق است.

اما حوزه‌ها

حوزه‌های حزبی، که در حقیقت کلاسهای بحث و مشاوره است تا حزب در جریان عقاید عمومی و مردم نیز در جریان ایدئولوژی و اهداف حزبی قرار گیرند، متأسفانه کلاسهای بی‌نتیجه [ای است] و در صورت تشکیل بحث، مباحث آن بی‌استفاده و در بوته فراموشی و بی‌توجهی می‌ماند. برای مثال، دو هفته پیش، قبل از آن که مسئله گوشت بدین صورت تظاهر کند، بحثی در حوزه آقای دکتر رشتی درمی‌گیرد و یک نفر راجع به رشد ۹ تا ۱۱٪ که آقای نخست‌وزیر در مجلس ادعا کرده‌اند سؤال می‌کند و اظهار عقیده می‌کند که ترقی قیمت‌ها که بر مبنای ۱ تا ۲٪ در سال برآورده شده غلط است و در این صورت رشد ۹ تا ۱۱٪ نیز مبنای صحیحی ندارد. یک نفر سرهنگ بازنشسته که عضو حزب مزبور است مأمور بررسی می‌شود و در جلسه بعد صورتی از فروشگاه تعاونی سپه ارائه می‌دهد که متضمن ۲۶ قلم مواد اولیه مایحتاج زندگی بوده و در ظرف دو سال گذشته ۳۰٪ به قیمت آنها اضافه شده. در آن جلسه، ضمن گزارش مذاکرات، صورت مزبور را نیز ضمیمه می‌کنند و به قیمت کره و فرآورده‌های حیوانی اعتراض می‌شود و کلاً طی گزارشی به دبیرخانه می‌فرستند. به امثال این گزارشات نه تنها توجهی نمی‌شود بلکه یک هفته بعد دولت مسئله گرانی میوه و گوشت را مطرح می‌نماید.

و بالاخره سازمان استانها و شهرستانها

بیشتر جنبه صورت ظاهر داشته و عملاً حزب در شهرستانها، جز در مواقع انتخابات مجلس یا انتخابات انجمنهای شهری اظهار وجودی نداشته و به حالت تقریباً تعطیل درمی‌آید و اگر هم در مرکز مراجعینی دارد بیشتر از ناحیه کسانی است که صرفاً برای کسب موقعیتی خاص، یا برای حفظ موقعیت خود، سری به حزب می‌زنند و عملاً و فکراً از هیچ‌گونه گرایشی و هدفی ندارند. و با وضعی که فعلاً در آمده است بیشتر برای نشان دادن خود به اولیای فعلی و اظهار ارادت و تمکین برای استفاده خاصی به حزب مراجعه می‌شود و متأسفانه انتشارات و تبلیغات حزب نیز، به طور مکرر، در یک قالب بی‌روح و منجمد، به نشر پاره‌ای شعارهای تکراری حزبی می‌پردازد که هیچ عضو حزبی رغبتی به خواندن نشریات، به خصوص روزنامه حزب، نشان نمی‌دهد و نتیجه کار این دستگاه، که دارای بودجه و هزینه قابل توجهی است و اوراق و نشریاتی را به چاپ می‌رساند، چون از همفکری و مساعدت نویسندگان و روشنفکران واقعی در حزب

برخوردار نیست عملاً بی حاصل و نزدیک به صفر است.

دفتر سیاسی

و آخرین مطلب راجع به دفتر سیاسی است که عملاً یعنی شخص نخست وزیر و هیچ کس دیگر را در این دفتر محل عرض وجود و ابراز عقیده‌ای نیست؛ و در حالی که نخست وزیر رئیس دفتر سیاسی و رئیس هیئت اجرایی است دبیرکل حزب فقط به کار اداری حزب مشغول است و حزب و عقیده حزب و شخصیت حزب در وجود شخص نخست وزیر تجلی نموده و آن را به صورت آلت بی اراده و بی مصرفی برای اجرای پاره‌ای مقاصد درآورده است.

۲.۱ و اما دولت

اگر در تعبیر کلمه دولت به جمعی که زمام امور اجرایی را در دست گرفته باشند و امین شاه و مردم باشند اطلاق شود، در حال حاضر دولت صرفاً به شخص آقای هویدا نخست وزیر اطلاق می شود؛ زیرا اکثریت قریب به اتفاق معتقدند که هیچ کس را در برابر هویدا یارای عرض وجود و اظهار عقیده نیست و با آنکه ایشان به ظاهر خود را مردی روشنفکر و آماده برای مشورت و استماع انتقاد سالم می نمایند ولی متأسفانه آنچه از عمر حکومت ایشان می گذرد این خصلت که شاید در سالهای اول حکومت نامبرده تا حدی و به مناسباتی مصداق داشت کم کم به کلی با طرد بعضی از وزرای صاحب رأی از میان رفته و نه حتی به کسی اجازه اظهار نظر و ابراز عقیده داده نمی شود بلکه نسبت به کسانی که با حسن ظن به انتقادی سالم باراهنمایی دلسوزانه نیز مبادرت ورزند با چشم عناد و دشمنی نگاه می کند.

عناصری که دولت را تشکیل می دهند اعم از وزرا یا معاونین یا رؤسای شرکتهای دولتی و مؤسسات (بجز دستگاههای انتظامی) صرفاً به خواست و میل آقای هویدا عهده دار مقام گردیده اند و هیچ گونه ضابطه‌ای در احراز مقامات مزبور جز میل ایشان در کار نبوده است و چون بررسی شود ملاحظه‌ای می شود که اکثریت مقامات فعلی به جهات متعددی فاقد صلاحیت لازم برای احراز مقام مزبور بوده اند، و مخصوصاً سعی شده است که کسانی را مشغول نمایند که واجد یک خصلت اساسی یعنی مورد اعتماد کامل نخست وزیر و فرمانبر بی چون و چرا باشند.

آقای هویدا، با طرد کردن امثال مهندس انصاری، عطاءالله خسروانی و بالاخره اردشیر زاهدی که هر کدام به نوعی مورد تأیید شاهنشاه و علاقه جمعی بودند، چنان راه را هموار نموده است که دیگر کسی ظن اینکه بشود به کار ایشان انتقادی یا به برنامه‌شان

اعتراضی بنماید نبرد. حتی کسانی که روزی به وی نزدیک بودند اظهار عقیده می‌کنند که در اخلاق نخست وزیر دگرگونی مخصوصی به وجود آمده که همه اطرافیان را به نظر تحقیر و بی‌توجهی بنگرد و نسبت به خواسته‌هایی که حقی دربرداشته باشد مخصوصاً به طریقه منفی عمل نماید تا نشان دهد که حق و ضابطه صرفاً خواست ایشان است و هیچ‌کس، به غلط یا درست، حقی برای خود یا اصالتی برای نظر خود قائل نباشد.

در انتصابات و در انتخابات به هیچ‌وجه رعایت ضوابط لازم نمی‌شود و این موضوع در حکومت هویدا روزبه‌روز شدت یافته و تبعیض و بی‌توجهی به افکار بالا گرفته است و این صحیح است که بایستی هر مسئول در کار خود بتواند همکارانی برای اجرای مسئولیت خود انتخاب نماید ولی اجازه این انتخاب نمی‌تواند بی‌ضابطه و دلخواه، آن هم به صورت نامحدود، انجام گیرد. توجه به ترکیب فعلی کابینه و انتخاباتی که با نظر هویدا در مجلس شورای ملی صورت گرفته دلیل این نظریه است و مثالهای فراوانی دارد که، در صورت لزوم و در بررسی شواهد بسیاری ارائه خواهد شد.

تبعیض در انتصابات و عدم رعایت حقوق کارمندان واجد شرایط با آوردن متصدیان جدیدالولاده و غیرمتخصص موجب عدم رضایت قاطبه کارمندان و متصدیان امر و مدیران دستگاهها گردیده است. حتی این عدم رضایت با آنان که خود، من غیرحق، مقامات متوسط را اشغال کرده‌اند سرایت نموده است؛ زیرا آنها نیز در رده خود به تبعیضها و انتصابات نابه‌جائتری برخورد می‌نمایند. انقلاب اداری در دستگاه دولت جز نامی بیش نبوده و تبعیضات مادی و حقوقی همچنان برجای مانده و گاهی از گوشه و کنار از سابق بدتر هم شده است.

مطلب فوق هم بسیار قابل توجه و قابل بررسی است و شواهدی در دست است که در صورت لزوم ارائه شود.

تبعیض و دخالت بیجای آقای هویدا در انتخابات مجلس شورای ملی نه تنها...^{۱۳۴} مجلس را روزبه‌روز از نظر مردم و انظار خارجی سست و بی‌پایه و نامود کرده است بلکه بی‌توجهی به خواست مردم که نه تنها بی‌توجهی بلکه عمل در جهت عکس در ایجاد انزجار و تحریک در بسیاری نقاط بوده است؛ زیرا تعویض یک نماینده صالح و مورد توجه مردم آنقدر مؤثر نیست که به جای او نماینده‌ای که واجد شرایط نبوده و مورد شناسایی نیست تحمیل نمایند.

ایرادی که در اینجا بر آقای هویدا وارد است اینکه اگر نماینده‌ای از نظر هویدا (در عمل به نام حزب) صالح نبوده و متناسب با خواست دولت نبوده چه لزومی دارد که به



عده‌ای از اعضای مؤسس حزب ایران نوین، نشسته از راست: منوچهر شاهفیل، محسن خواجه‌نوری، نقی سرکاک، حسنعلی منصور، امیرعباس هویدا، منوچهر کلانی و هادی هدایتی
ایستاده از راست: غلامرضا بیکمپی، رشتی، فتح‌الله ستوده و سید ضیاءالدین شاه‌دانا | ۱۳۸۷-۱۳۸۶-۱۳۸۵

جای وی یک نفر بدنام و ناشناس و مخالف افکار عمومی بیاورید. مسلم ممکن است در کشوری که عناصر صالح و تحصیل کرده کم نیستند یکی از آنان انتخاب شود تا اگر مردمی که به این عزل و نصب اعتراض داشتند اقلأً به صلاحیت آنچه آورده‌اید معترض نباشند و اگر مایلید اشخاص بدسابقه و بی صلاحیت را بیاورید که به فکر خودتان صد درصد تسلیم و رضا باشند ناچار بایستی تصور کرد که قصد بدی در پیش دارید و گرنه برای انتخاب صالح هزاران واجد شرایط هستند که جز به خدمت به شاهنشاه و مردم هدفی ندارند و می‌شود از آنها مجلس آبرومند به وجود آورد.

البته وقتی آقای هویدا تصمیم بگیرند ولو ده نفر ناصالح، که حسن شهرت اجتماعی ندارند، به حزب و مجلس تحمیل نمایند و وقتی رؤسای حزب ببینند ناچارند به این تحمیل تن در داده و راه اعتراضی ندارند خودشان شریک مظلومه شده هر یک چند نفر از خویشان و بستگان و دوست نزدیک را بدون رعایت هیچ ضابطه‌ای به مجلس می‌آورند و نتیجه ترکیب آن چنین مجلسی است که نه از نظر مردم، نه از نظر دستگاه‌های خود دولت، و مسلم، نه از نظر ناظران خارجی نمی‌تواند واجد وضع خاص یک مجلس باشد و به مصوبات آن نیز جای هیچ‌گونه اعتباری نمی‌ماند. (مراتب فوق شواهد و دلایل متعددی در دست است که مسلم بسیاری از آن بررسی و تحقیق شده در صورت لزوم بسیاری دیگر نیز ارائه خواهد شد).

رویه هویدا و بالطبع رویه وزرا و دولت ایشان با مجلس نه تنها طرز رفتار یک دولت با مجلس نیست بلکه در بسیاری مواقع موهن و خفت‌بار است. البته این طرز برخورد و اعمال رویه بی‌قاعدگی نسبت به مجلس، اگر مورد پذیرش قسمتی از نمایندگان که به صورت ذکر شده بی هیچ‌گونه ضابطه و توجیهی انتخاب گردیده‌اند باشد، بدیهی است برای تعدادی که هنوز به حیثیت مجلس، ولو به صورت ظاهر هم شده است، اعتقاد دارند بسیار دشوار و قابل انتقاد است و انعکاس آن در خارج مجلس موجب تحقیر نمایندگان و بی اعتبار نمودن تصمیمات و نقض اثر وجودی ایشان خواهد بود که خود موجب عقده‌های بسیار گردیده و در پنهان به شدت از این طرز کار انتقاد می‌نمایند. شواهد و مثالهای بسیاری در این مورد وجود دارد که قابل بررسی و ارائه است.

آقای هویدا، همان‌طور که در هیئت دولت توانست با [بیرون] راندن تعدادی وزیر که آلت بی‌اراده نبودند، موجب تنبیه دیگران شده و زهرچشم از باقی بگیرد تا هیچ کاری و هیچ‌گونه تصمیمی را، چه صحیح و چه غلط، جز به میل اراده او نگیرند همان‌گونه در مجلس شورای ملی با کنار گذاردن شصت نماینده که اقلأً سی نفر آنان واجد همه شرایط لازم بوده و هیچ‌گونه نقضی جز عدم تمایل شخصی آقای هویدا یا بعضی مسئولین حزبی و دولتی نداشتند چنان ابراز قدرتی در ذهن باقیمانندگان جدید گذارده است که از این پس

هر مطلبی و لایحه‌ای به مجلس ارائه نماید نه تنها جای چون و چرا نیست بلکه هیچ نماینده‌ای جرئت نخواهد داشت از این پس درباره بعضی از اختلالاتی که در دستگاه دولت یا حزب وجود دارد و بعضی کجرویها ولو در حزب ایران نوین یا در فراکسیون در بسته حزب هم انتقاد نماید.

و بالاخره، بدترین وسیله‌ای که آقای هویدا برای مرعوب نمودن منتقدین، ولو سالم، دارد وارد نمودن اتهامات بی‌اساس و پرونده‌سازی و تهدید نمودن به بی‌آبرویی یا در فشار گذاشتن عناصر اصلاح‌طلب و انتقادکننده است. و در این راه چنان با بی‌رحمی عمل نموده‌اند که کمتر کسی جرئت بکند انتقادی اساسی به عمل آورد. و تصور این مطلب مشکل است که بعضی انتقادکنندگان هم، که به ظاهر شدیداً به هویدا و دولت او حمله می‌کنند، و حتی از حزب مخالف باید نظریات هویدا را در این انتقادات منظور نمایند. و شایع است که در بعضی موارد، انتقادات با نظر خود ایشان و همین‌طور کوبیدن یا خراب کردن یکی از اولیای دولت که موافق میل نامبرده نیست، به کار می‌رود. در اثبات مراتب فوق نیز شواهد و دلائلی وجود دارد که در صورت لزوم ارائه می‌شود.

و مالا آنچه در جمع مسائل فوق برای بسیاری، از دور و نزدیک، نتیجه می‌شود و برای اغلب از صورت شایعه به مرحله یقین نزدیک می‌شود این است که:

۱. مسئله اداره مملکت را آقای هویدا به انکاء به لطف کامل شاهنشاه حل نموده و کلیه مسئولیت کادر سیویل^{۱۳۵} مملکت از دولت و حزب و مجلس را به اختیار تام به عهده گرفته و حق دارد در این زمینه هرگونه شخصاً نظری دارد اعمال نماید و چون خود در برابر شاهنشاه پاسخگوی این مسئولیت بزرگ خواهد بود به وی اجازه داده‌اند که هر کار مایل است انجام دهد و هر نوع سلیقه‌ای دارد، اعمال نماید.

شواهد و دلائل در این مورد مؤید نظر شایعه‌سازان است منتهی چون با طی هشت سال زمامداری مشکلاتی در اداره امور پیش آمده است که به تدریج مترکم گردیده و آقای هویدا برای رفع آن جز با پیش و پس کردن همان مهره‌های اولیه اقدامی اساسی انجام نمی‌دهد، برای بعضی از بدبینان کم‌کم این اهمال یا اصرار در بقای وضع موجود نوعی قصد خرابکاری تلقی می‌شود.

و آنچه به صورت شایعه در سطوح مختلف شنیده می‌شود مراتب ذیل است:

۱. در عرض این مدت زمامداری که یکی از اهداف بزرگ دولت مبارزه با رشوه و ارتشاء و سوءاستفاده بوده نه تنها در این راه مبارزه‌ای نشد بلکه، به راست یا دروغ، شایعاتی از سوءاستفاده‌های بزرگ در سطح مقامات رده اول دولت به گوش می‌خورد و

بدیهی است یک مورد کوچک را نیز چند برابر بزرگ می‌کنند، و متأسفانه برای کسانی که به علت اتهام به سوءاستفاده یا بی‌کفایتی از پستی برداشته می‌شوند نه تنها تعقیب و رسیدگی یا توبیخ درکار نیست بلکه چنانچه زیر چتر حمایت نخست‌وزیر باشند به مقامی معادل یا کمی بالاتر سوق داده می‌شوند.

۲. بعضی از امنای دولت که خود را به [بی] نیازی مادی و صحت عمل ممتاز می‌دانند در مسائل ناموسی و بی‌عفتی زیاده‌روی نموده علناً به کارهای ناشایسته‌ای که دور از شئون یک مقام عالی اداری است دست می‌زنند و با شرکت در مجالس خصوصی عیش که به هر حال پنهان نمی‌ماند و تمایل به اموری که دور از حیثیت یک انسان شریف است باب جدیدی را در راه دوست‌بازی و ارتقاء مقام گشوده‌اند.

در مورد وضع فوق، که متأسفانه موارد متعددی دیده شده و می‌شود، اگرچه نفس عمل مردود است ولی به تصور اینکه یک امر خصوصی است مقامات مزبور از انجام آن ابایی ندارند درحالی که نمی‌خواهند بدانند که بسیاری از کارها اگر برای مردم عادی جنبه خصوصی و عادی دارد برای یک وزیر یا یک نماینده مجلس یا یک معاون نمی‌تواند خصوصی باشد. و کسی که می‌خواهد اداره امری از امور مردم را برعهده گیرد و امین جامعه باشد باید از بعضی لذائذ صرف‌نظر کند و دیگر اینکه حکم مردم براین است که کسی که در مسائل ناموسی و عفت پرهیزی نداشته باشد مسلم از دزدی مال، که گناهی سبک‌تر است، و یا، خدای نکرده، در راه خیانت به شاه و مردم، در صورت لزوم، چندان دریغ نخواهد کرد.

۳. با طول مدت زمامداری بسیاری از عیوب یا نواقص را که دولت الزاماً یا تعمداً کتمان نموده است به تدریج آشکار گردیده و بدبختانه در این مواقع دولت سعی نموده است، با اظهار به نقص، در رفع آن شخصاً با استمداد از مردم بکوشد بلکه تلاش نموده تا عیب یا دروغ را با دروغ دیگری بپوشاند و بدیهی است در این گونه مواقع چنانچه نفع یا ضرر کار مستقیماً برای مردم قابل لمس نباشد بی‌تفاوت می‌مانند و مدتهاست که این بی‌تفاوتی در سطوح مختلف اجتماعی به چشم می‌خورد ولی هنگامی که با نان و آب و گوشت و غیره سروکار پیدا نماید و مردم مستقیماً با آن مواجه شوند آن وقت انعکاس عمل نایجا یا دروغ بی‌جا بسیار نامطلوب و برای مصالح کشور، چه از نظر داخلی و چه از نظر خارجی، مضر خواهد بود. (برای وضع فوق شواهد و مثالهایی وجود دارد که مسئله گوشت و میوه نزدیک‌ترین نمونه آن است).

۴. آنچه تاکنون به عنوان خدمت از طرف دولت ارائه شده یا می‌شود مورد تأیید مردم نیست؛ زیرا اصلاحات اساسی و خدمات چشمگیر را صرفاً از ناحیه شاهنشاه و بازارده معظم‌له می‌دانند و اگر نقائصی وجود دارد آن را حمل بر کوتاهی و ضعف عملیاتی دولت

حمل می‌نمایند و بیشترین شایعه از طرف خود کارمندان دولت، که به علت تبعیض ناراضی هستند، چندین برابر بزرگ گردیده و منتشر می‌شود. و این‌طور وانمود می‌نمایند که اغلب آمار و ارقامی که در گزارشات به عرض می‌رسد یا منتشر می‌شود ساختگی و تصنعی بوده و بررسیهای آماری و اقتصادی دولت همواره در جهت اثبات خدمات دولت می‌باشد و مبنای واقعی ندارد در نتیجه طرحهای اصلاحی و عمرانی نیز که بر مبنای این گونه آمار برآوردها پایه‌ریزی شود قابل اعتماد و انطباق با نیازهای اجتماعی نیست. و چون این گونه شایعات از طرف متصدیان و مسئولین عنوان می‌شود بالطبع مورد قبول مردم قرار خواهد گرفت. نمونه ارقام مربوط به رشد اقتصادی، ارقام مربوط به درآمد سرانه مردم، ارقام آمار مربوط به وضع کشاورزی، ارقام و آمار مربوط به وضع صنایع (می‌باشد) که منتج به اخذ سیاستهای غلط در مورد کشاورزی یا صنایع یا امور مربوط به زمین و خانه‌سازی و غیره می‌شود.

نتیجه

از خلاصه مطالب فوق این‌گونه نتیجه به دست می‌آید:

الف - دولت باطلی یک مدت طولانی زمامداری با آنکه منشأ خدماتی بوده ولی به علت طول مدت زمامداری، که در کمتر کشوری سابقه دارد، به عیوب ذیل دچار گردیده است:

خدمات انجام شده را مردم جزو وظیفه‌اساسی محسوب و بالطبع همیشه جلو چشم ندارند ولی نقائص قبلی یا موجود و یا خطاهای گذشته و حال کم‌کم متراکم گردیده و دولت را از نظر جامعه ناتوان و حتی مغرض معرفی کرده است.

ب - با وضعی که دولت نسبت به حزب دارد و با وضعی که حزب در داخل خود و تشکیلات ضعیف خود دارد و با قیافه‌ای که دولت نسبت به مجلس داشته و وضعی که مجلس از نظر برخورد با مسائل اجتماعی و صلاحیت انفرادی افراد دارد، نه مجلس و نه حزب و نه دولت هیچ کدام مورد تأیید و رضایت و اتکای مردم نیستند.

سیاری از کارهاست که مورد توقع مردم می‌باشد که به دلایل متعدد قابل اجرا و عمل نیست ولی ارائه این دلایل از طرف دولت حاضر مورد پذیرش و قبول نیست، مگر اینکه دولت دیگری بیاید و معاذیر این دولت را تأیید کند.

ج - مردم، در حال حاضر، جز شاهنشاه مرجعی نمی‌شناسند، به خصوص طبقه عامه و کم سواد هرچه هست و نیست از ناحیه آن مقام معظم می‌بینند و برای آنها یعنی بیش از نیمی از مملکت هنوز شخصیت دولت و حزب و مجلس و غیره نامفهوم است و اگر خدای نکرده کم و کاستی در مایحتاج اولیه زندگی آنان پدید آید از پادشاه مملکت انتظار

دارند ولی طبقه روشنفکر و با سواد، در حالی که حزب و مجلسین را به کلی نادیده می‌گیرند، از اینکه دست دولت را در امور داخلی مملکت تا این حد باز و بدون کنترل می‌بینند متعجب می‌شوند! و تا زمانی که احساس خطر ننمایند رویه بی‌تفاوتی اتخاذ نموده و آن را به اراده شاه مملکت موکول نموده‌اند؛ ولی وقتی با خطاهایی از ناحیه دولت روبه‌رو می‌شوند، اعم از خطای فردی و یا خطای جمعی که مقصد غایی آن نوعی اختلال و یا هدردادن بودجه مملکت یا تخریب اذهان عمومی است، از خود می‌پرسند: آیا شاهنشاه از این جریان‌ات اطلاع دارند؟ آیا فلان مسئله آن‌طور که باید به عرض رسیده است؟

در اینجا دو نوع پاسخ به خود می‌دهند: بعضی معتقدند بسیاری از مطالب به عرض نمی‌رسد، یعنی اقتدارات هویدا بدان پایه رسیده که نمی‌گذارد واقعیات آن‌طور که باید ارائه شود. و بعضی اظهار نظر می‌کنند که محال است مسئله‌ای در مملکت باشد و یا اتفاق افتد که از نظر مسئولین نظامی و امنیتی و آگاهی مخفی مانده و به عرض نرسد مگر اینکه اراده شاهنشاه و مصلحت معظم‌له بر آن وضع قرار گیرد و یا تحمل آن برای مدت معینی الزامی باشد.

اغلب سوال می‌کنند که چه الزامی دارد که دولت با یک عده قیافه‌های مشابه (زیرا تغییرات صرفاً در پیش و پس کردن مهره‌های دولتی بوده) برای مدت طولانی بماند و با آنکه بسیاری از وعده‌های اصلاحی در این مدت طولانی وفا نگردیده مصرأ در ماندن خود پافشاری کند.

اگر نتوان حزب اکثریت را به آسانی تبدیل به اقلیت نمود، چه مانعی دارد که از همان حزب قیافه‌های دیگری که واجد شرائط هستند و کناره می‌روند چند صباحی داخل کار شوند و اجازه دهند حزب ایران‌توین که برای آقای هویدا و تابعین خاص وی به صورت انحصاری درآمده و راه فعالیت را عملاً بر دستجات دیگر که عضو حزب هستند سد نموده جنبه عمومی‌تری به خود گرفته و به استعدادهای دیگر نیز اجازه نشوونما و اظهار وجود بدهند، و چه مانعی دارد که اگر نتوان اکثریت را برای حفظ ظاهر تبدیل به اقلیت نموده لااقل با اصلاح وضع حزب قیافه‌های جدیدی وارد دولت نمایند که تا حدی از نظر مردم تغییر وضع تلقی شود. و خلاصه به این نتیجه می‌رسند که اگر در قیافه دولت تغییراتی به واقع پدید آید و در حزب اصلاحاتی بشود که از حالت یک دستگی خاص بیرون آید و در مجلس نیز تغییر برنامه‌ای ایجاد شود آن وقت در صورتی که مشکلاتی هم برای دولت و جامعه باشد توجیه آن و استدلال در پیرامون آن برای مردم قابل شنیدن و تمکین و تحمل آن بسیار آسان‌تر و قابل قبول‌تر خواهد بود.

کودک در آن وقت و در صبح صریح این سخن

۱- دفع ابواب بدین نظر - در علم کلام - باینکه اینها صریح نیستند پس

در هر یک فقط صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

و در هر یک صریح است که در وقت است - در هر یک صریح است که در وقت است

پیشنهاد

۱. در مورد حزب ایران نوین:

اجازه داده شود دسته دیگری با عناصر صالح و شناخته شده و موافق کامل مصالح عالیه مملکت، که هم‌اکنون عضو حزب هستند، در یک یا دو حوزه فعالیت داشته و بدون آنکه فکر انشعاب و تضعیف بنیان حزب باشد در داخل حزب تکیه‌گاهی برای انتقاد سالم و سلیقه‌های مخالف و کسانی که گله‌هایی دارند به وجود آید، یعنی در حقیقت جناح اقلیتی در خود حزب باشد که از پراکندگی عناصر مخالف و منتقد که یأس آنان موجب تخریب اذهان عمومی است جلوگیری به عمل آید. و هرگاه تغییر وضعی در قیافه و ساختمان دولت یا حزب الزامی شد بشود با حفظ اکثریت بدون لطمه خوردن به اساس تحزب یا اکثریت حزبی یا دولت حزبی جای قیافه‌ها را تغییر داد؛ و در صورتی که چنین رویه‌ای مورد تصویب باشد زمینه از هر جهت آماده است که چنین دسته سالمی در حزب به وجود آید.

۲. در مورد دولت

چنانچه آقای هویدا باز هم با اراده عالیه همایونی یا مصالحی باید بمانند اقلای یک ترمیم اساسی در هیئت دولت به وجود آید و نه تنها قیافه‌های چند ساله اعم از خوب یا بد عوض شوند بلکه به جای آنان از واجدین شرایط با تخصص و تجربه بهتر که مورد تأیید کلیه مراجع و مقامات مملکتی باشند استفاده شود. سپس دولت سعی نماید در اتخاذ تصمیمات با حزب و مجلس بیشتر به بحث و مشاوره بپردازد و اگر واقعاً تصمیمات نافع به حال جامعه خواهد بود زحمت استدلال را بر خود بگذارد؛ زیرا عناصر متشکله حزب و مجلس در حال حاضر برای قبول هرگونه فکری که به صلاح مملکت باشد آمادگی کامل دارند و در هر حال می‌توانند خوب یا بد آن را برای مردم توجیه کنند ولی اگر تصمیمات داخلی بدون مشورت و آگاهی حزب و مجلس اعلام شود و به اشکالی برخورد نماید این عده نه تنها در رفع آن کمکی نخواهند کرد بلکه به صورت منتقد و معارض برای حفظ شخصیت خود شروع به تخریب اذهان عمومی می‌نمایند. به نظر می‌رسد که حزب و مجلس، ولو اینکه مخلوق دولت باشند، ولو اینکه عناصر متشکله آنان چندان رضایت‌بخش نباشد مع‌هذا باید بیش از این و در حد معقول مورد احترام دولت قرار گیرد؛ در انتخاب وزرا، معاونین، مدیران و اولیای امور ضوابط خاصی در نظر گرفته شود. به هر صورت، انحصار ...^{۱۳۶} به این مقامات برای یک دسته خاص از

میان برود و مسئله تحصیلات و سابقه و تخصص و صلاحیت یک جا مورد بررسی قرار گیرد.

۱.۳۱ | مجلس شورای ملی

با آنکه از نظر قانون اساسی و حقوق مادی و معنوی نمایندگان مجلس یکسان و جز طبق ضوابط آئین‌نامه داخلی مجلس هیچ نماینده‌ای را بردیگری برتری نیست مع‌هذا در عمل نمی‌توان شخصیت و مقام علمی و اجتماعی یک استاد دانشگاه را با یک کارگر و صرفاً برای هوچی‌گری، یا یک روزنامه‌نویس که صرفاً برای ارادت به آقای هویدا به مجلس آمده است و احتمالاً سوابق و شخصیت سالمی ندارد در یک ردیف قرار داد و حتی دسته دوم را در امور مملکت بیشتر مداخله داد و در مجالس و محافل آنان را به تظاهر واداشت؛ زیرا تظاهر وسیله اشخاصی که استحقاق درک یک مقام را نداشته‌اند و اجازه پیشروی به آنان موجبات عدم رضایت عمومی و نارضایتی شدید همکاران آنان را فراهم خواهد ساخت کما اینکه کسانی در مجلس هستند که با دیدن این وضع به مراتب از افراد خارج نارضی‌تر و زبانشان به انتقاد و بدگویی گویاتر است.

برای آنکه این مجلس بتواند موقعیت بهتری درانظار کسب نماید پس از اینکه حزب که منشأ اولیه ساختن مجلس و دولت است اصلاح شد بایستی حدود فعالیت و خودنمایی و دخالت نمایندگان با توجه به وضع موجود مشخص و معین شود و مقامات داخلی اعم از هیئت رئیسه یا ریاست کمیسیونها و غیره، با بررسی سوابق و معلومات و صلاحیت اشخاص تعیین گردد و در این راه کوچک‌ترین اعمال‌نظر خاص و توجه به فرد مخصوصی از طرف حزب یا دولت صورت نگیرد.

شاید دولت برای اعمال بعضی مقاصد تصدی یکی را در پست مخصوصی در مجلس بهانه نماید؛ ولی این بهانه با ساختمان روحی‌ای که طبقه فاضل مجلس دربردارند به هیچ‌وجه انطباق و ضرورت ندارد و مگر اینکه بخواهند تحت این بهانه اشخاص مورد علاقه خاص خود را، که اکثراً از عناصر کوچک و غیرمقبول هستند، به رده‌های جلوتر انتقال داده و رأی خود را حاکم بر سرنوشت مجلس و حزب جلوه دهند. در حالی که مردم کشور و طبقات فاضله رهبری شاهنشاه را بدون چون و چرا پذیرفته و به آن ایمان دارند. دخل و تصرف عناصر دولت درکار حزب و مجلس تا این پایه نه تنها ضرورت نداشته بلکه نوعی تجاوز نابجا تلقی می‌شود که مآلاً به هر سه صدمه می‌زند.

| ۶۹۴۳۲ تا ۶۹۴۰۸ |



شپښگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني